

پژواک

نشره خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز در برلین غربی

شماره ۶ ۱۵ بهمن ۱۳۶۵

بهای حذف صدام

پس از فروکش کردن غوغای حملات اخیر نیروهای ایران، دور جدید بمباران شهرها با شدت بی‌سابقه‌ای آغاز گردیده است. برای اولین بار سایه وحشت حملات مکرر هوایی بمباران شهرهای مرکزی و دور از مرز نیز کشیده می‌شود. مناطق زیادی از شهرهای بزرگ تخلیه شده، مدارس و ادارات و مؤسسات صنعتی تعطیل گشته و در یک کلام روند زندگی روزمره این شهرها دچار اختلال جدی شده است. لیست شهرهایی که مورد حملات متوالی هواپیماهای عراقی قرار می‌گیرند، اکثر شهرهای مهم غرب و مرکز ایران را در بر می‌گیرد. حتی بر طبق داده‌های رژیم ایران تعداد کشته شدگان بمبارانهای اخیر شهرها به چهار هزار نفر بالغ می‌گردد. در همین حال ایران هم تحت عنوان معامله به مثل حملات خود را به شهرها و مناطق مسکونی عراق افزایش داده است و ضعف چشمگیر نیروی هوایی را با موشک‌اندازی به بغداد و گلوله‌باران بصره که اینک براهتی در تیررس توپخانه‌اش فرار دارد جبران می‌کند. بصره، دومین شهر بزرگ عراق تقریباً خالی از سکنه شده است. جنگ شهرها که از لحاظ نظامی دارای کوچکترین ارزشی نمی‌باشند، نمایانگر بن‌بست نظامی جنگ هفت ساله است. در حملات یک ماه و نیم گذشته دو طرف و بویژه ایران بالاترین تلفات را در تاریخ این جنگ متحمل شده‌اند. در حالیکه حمله نخست شکست مطلق ایران محسوب می‌شد، حمله دوم موسوم به کریلا - ۵ با موفقیت‌های معینی برای نیروهای ایرانی همراه بود. چیزی که رژیم ایران برای تبلیغات خویش، تقویت روحیه قوای خود از یک طرف و تضعیف روحیه دشمن و آمادگی موقعیتی برای تحمل شرایط خود شدیدا بدان نیاز داشت. اما با توجه به تلفات زیاد ایران در حملات مذکور، تصرف حدود صد و پنجاه کیلومتر از باتلاقیهای اطراف شط‌العرب فتح بزرگی برای رژیم خمینی محسوب نمی‌شود. بعلاوه اخیراً خیرگزاریهایی جهان با توجه به داده‌های ماهواره‌های آمریکائی خبر از یک ضد حمله گسترده و موفق عراقیها در منطقه علیاتی کریلا - ۵ که منجر به بازپسگیری برخی مناطق غربی و شمال غربی رود جاسیم، در ده کیلومتری بصره و تصرف یک پل معلق ساحل غربی دریاچه ماهی و اشغال جزیره مصنوعی در شط‌العرب شده است، می‌شود.

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه پژواک با رفیق عبدالله قادری

عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

مناسبت خبرنگار پژواک مصاحبه‌ای با رفیق عبدالله قادری، عضو کمیته مرکزی و مسئول کمیته بیرون حزب دمکرات کردستان بعمل آورده است. رفیق قادری در این مصاحبه ضمن تشریح موقعیت فعلی مبارزه در کردستان، دیدگاههای حزب دمکرات کردستان را در مورد فعالیت سایر نیروهای انقلابی در کردستان، طرح پیشنهادی برای تشکیل "جبهه دمکراتیک" مسئله درگیری های بین نیروهای حزب دمکرات و کومله و ... بیان میدارد.

د صفحات ۴ و ۵

جنگی که رژیم جمهوری اسلامی به خلق کرد تحمیل کرده است وارد هشتمین سال خود می‌شود. در طول هفت سال گذشته، خلق کرد غیرمترکوب و کشتار بی رحمانه رژیم، آتش مبارزه مسلحانه را همچنان برافروخته نگاه داشته و از کردستان قهرمان، سنگری برای دفاع از حقوق ملی خود و آزادی و دمکراسی برای ایران ساخته است.

روز ۲۱ آذر ماه از طرف حزب دمکرات ایران سازمانگر مقاومت و مبارزه خلق کرد، بعنوان "روز پیشمرگ" نامگذاری شده است. به این

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

ویژگیهای مثال زدنی اوست، به انتقاد از کمبودها نارساییها و موانع موجود پرداخت. او صریحاً موضوع گسترش دمکراسی سوسیالیستی، از طریق شرکت وسیع مردم در تصمیم‌گیریها و مسئولیتها را بیان کشید. او اصلاح در سیستم انتخابات اتحاد شوروی را بشا به سنگ بنا و شرط لازم گسترش دمکراسی سوسیالیستی به پلنوم کمیته مرکزی پیشنهاد نمود. مضمون پیشنهاد او در این رابطه به این مفهوم است، که از این پس تمام سازمانهای محلی حزبی باید این امثال را بیابند که برای مسئولیتهای مختلف به دلخواه کاندیدا های مختلفی معرفی نمایند. در تمام مراحل پیش از انتخابات و در طول آن، باید به عوض شیوه‌های مرسوم، در هر جمهوری امکان انتخابات واقعی با آرا مخفی بوجود آید. گورباچف همچنین پیشنهاد کرد، که از افراد غیر حزبی در مسئولیت های رهبری و مدیریت استفاده شود و در زمینه اقتصاد، شهرزندان

بقیه در صفحه ۸

گزارش میخائیل گورباچف به پلنوم کمیته

مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

میخائیل گورباچف:

* در دوره مشخصی اتحاد شوروی دچار یک رکود مطلق گردید و جلوه‌های غریب دیگری در سوسیالیسم پدید آمد.

* تزه‌های لنین در باره سوسیالیسم به گونه‌ای ساده‌گرایانه، تفسیرود رموارد زیادی عمق و معنای آنها را برود هشد.

د صفحات ۷ و ۸

در صفحات دیگر:

* بنیادگرایان اسلامی ترکیه جنگ و دندان نشان می‌دهند

* من در آن لحظه مرگ را حس کردم...

* برگزاری انتخابات در آلمان فدرال

بهای حذف صدام

دهند . خبرگزاریهای جمهوری اسلامی خبری از دفع این صدمه میدهند .

پس از عدم موفقیت در رسیدن به بصره و حداقل محاصره و قطع ارتباط آن با دیگر مناطق عراق بخصوص بغداد ، مقامات ایرانی اعلام کردند که اصلا هدف از این حملات نه بصره بلکه "ضربه به ارتش عراق" کک به "انهدام ماشین جنگی آن" و فراهم کردن زمینه سرنگونی صدام بوده است . اگرچه این صحبت در توجیه عدم موفقیت نیروهای ایران ، با توجه به تلفات زیاد آنها زده می شود اما همچنین گوشه‌ای از اهداف رژیم را در مرحله کنونی جنگ نشان می دهد . صحبت‌های اخیر سران رژیم ، نظیر خامنه‌ای و رفسنجانی نشان می دهد که آنان نیز تا حدود زیادی به این مسأله که جنگ را محل نظامی ندارد ، واقفند . راه حل طرح شده توسط آنان خانه جنگ در مقابل سقوط صدام است . خود طرح این راه حل ، از طرف ایران ناشی از بن بست نظامی جنگ و فشار تشدید همه جانبه مشکلات اجتماعی -

اقتصادی کشور که بویژه ادامه جنگ به آن دامنه کم نظیری داده است ، می باشد . بن بست نظامی جنگ پیش از آنکه مشروط به قدرت نظامی طرفین درگیر باشد ، مربوط به توازن بین‌المللی قوا و خواست قدرتهای منطقه و جهان در عدم پیروزی یکی از دو کشور متخاصم می باشد . اتحاد شوروی در ادامه سیاست تشنج‌زدائی و صلح خود ، این خواست را در موضعگیریهای خود پاره‌ها نشان داده است . شولتز وزیر امور خارجه آمریکا نیز اخیرا بار دیگر به این موضع آمریکا تاکید کرده "سیاست ما این است که در جنگ ایران و عراق هیچ برنده‌ای وجود نداشته باشد . آنها انرژی خود را از دست می دهند و تسلیم خواهند شد ."

هشدار اخیر ریگان به ایران در مورد گسترش جنگ نیز در جهت این سیاست بود . در چنین موقعیتی است که خامنه‌ای راه حل تعدیل شده‌ای را که برای اولین بار در ایران سال گذشته توسط رفسنجانی مطرح گردید ، چنین تکرار می کند :

"ما مطمئنیم پس از حذف رژیم صدام منطقه روی آرامش به خود خواهد دید . پس از سقوط صدام این ملت عراق است که نوع حکومت خود را تعیین می کند و ما در نوع این حکومت هیچ نظری بطور قاصح نخواهیم داشت" و یا رفسنجانی در پاسخ این سؤال خبرنگار تایمز مالی ، که آیا "از شرایط شما فقط حذف صدام است و یا اینکه حزب بعث هم باید برود ؟" می گوید : "ما از اول گفته‌ایم که صدام باید برود ، اگر صدام برود راه برای بقیه قضیه باز خواهد شد ." لازم به تذکر است که رژیم ایران اخیرا در جهت تاکید و تضمین این سیاست و جلب اطمینان و نظر موافق کشورهای غرب و منطقه ، و همچنین در جهت فشار بیشتر بر رژیم عراق ، حتی از نیروهای اپوزیسیون غیر اسلامی در عراق ، نظیر ، اتحادیه میهنی کردستان عراق نیز حمایت می کند .

خط پایان جنگ به بهای حذف صدام که ما آنرا از همان شماره اول پژواک نشان داده و دنبال کرده‌ایم ، اینک برجسته‌تر و محتلتراز پیش

و آقای ریگان ضعف نشان داد . ایشان باید شجاع باشند . . . همانطور که گفته‌اند ایران یک کشور استراتژیک و قوی است و نمی شود بسا آن قهر باشند . البته این چیزی که ریگان اعتراف کرد که در یک سال ونیم گذشته هیچ سندی پیدا نکردیم که ایران در تورسیم دخالتی داشته باشد این یک اظهار نظر شجاعانه بود ."

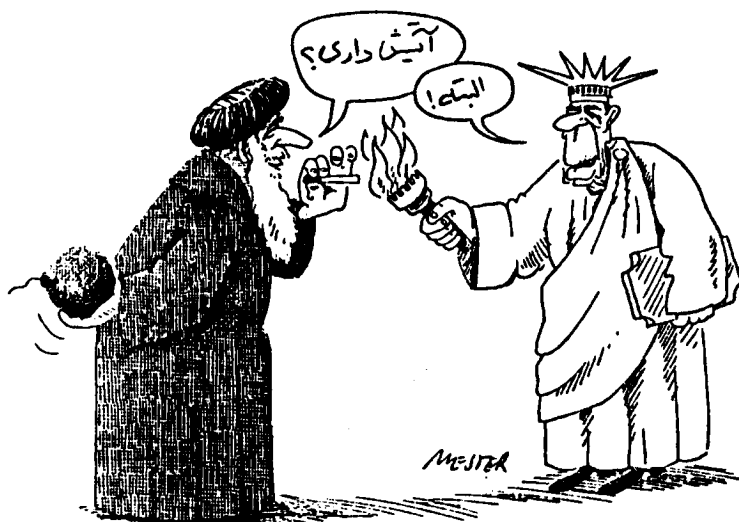
هدف جدید ایران برای خروج از بن بست جنگ برخلاف استراتژی جنگی قبل که فتح عراق را بعنوان هدف ، پیشاوری خود قرار میداد ، شانس آنرا دارد که در تحولات آتی مورد توافق قدرتهای ذینفع منطقه و جهان قرار گیرد . شولتز اخیرا بطور صریح اظهار داشت : "ما در صدد بهبود نهائی روابط آمریکا با ایران هستیم" وی ضمن اظهار امیدواری نسبت به تغییر مواضع ایرانیها گفت : "معتقدیم که دلایلی با اهمیت برای آنها (ایران) وجود دارد که ما روابط بهتری داشته باشیم ما این ایده را داریم و می خواهیم که این را برای آنها روشن کنیم ."

رژیم ایران که حتی تا امروز عم از جنگ برای پاسخ به نارضایتی و مشکلات داخلی بهره می جوید ، اینک مدتهاست ادامه بدون چشم انداز جنگ فرسایشی ، در مرز عراق را غیر ممکن و برای موجود پتخ خطرناک می یابد . اقتصاد کشور با توجه به بهای نفت ، دیگر یارای به دوش کشیدن بار جنگ را ندارد . نارضایتی و انزجار مردم از رژیم اوج می گیرد . پایان بدون پیروزی جنگ نیز بطور قطع انفجار این وضعیت خواهد بود با توجه به این وضعیت رژیم با عقب نشینی بزرگی از موضع "جنگ جنگ تا پیروزی" اینطور وانمود می کند که گویا از روز اول هم خواستش فقط حذف صدام بوده است . اما توسل به این راه حل هنوز بسیاری از مشکلات را حل نخواهد کرد و دشواری های جدیدی بر سر راه جمهوری اسلامی بوجود خواهد آورد . آیا برای کسانی که سالها بدنبال شعارهای جنگ طلبانه رژیم کشانده شده‌اند اینهمه فریانی ، در مقابل تحویض رئیس جمهور عراق به ویژه اگر بهای آن دوستی با "شیطان بزرگ" باشد ، قابل توجه خواهد بود ؟

مطرح است . در این جهت ایران همچنین می کوشد از یک طرف با اشغال قسمتهائی از خاک عراق ، فشار برای قبول چنین راهحلی را افزایش دهد . در این مورد سخنان خامنه‌ای در نماز جمعه تهران گویاست : " . . . در حال حاضر پشت دیوارهای بصره هستیم . مسأله ما تصرف این شهر نیست . . . مسأله ما رژیم متجاوز عراق و مجازات صدام است . با پیروزیهای اخیر نگرانی و دلبره‌های کم نظیر در میان سردمداران رژیم عراق و حامیان او همچنین بر محافل سیاسی جهان حاکم شده است . " این صحبت‌های خامنه‌ای را همچنین ، تفسیرهای بسیاری نشریات غربی و حتی پراودا ، تأیید می کند . مثلا مجله "تایم می نویسد : "اگر نظامیان عراق به این نتیجه برسند که صدام در جنگ علیه ایران موفق نمی شود دولت این کشور را سرنگون می کنند . " و یا هرالد تریبون با اشاره به استفاده از مناطق اشغالی بعنوان حریم از سوی ایران ، می نویسد : "در این اثنا امکان دارد ژنرالهای عراقی دچار وسوسه شوند و رهبر خود را با شخصی که مورد قبول ایرانیها است ، عوض کنند ."

از طرف دیگر ایران از طریق دیپلماتیک سعی در نشان دادن چهره‌ای محافظه کار و میانه رو و قابل اعتماد از خود به غرب و کشورهای عربی منطقه دارد . تا از این طریق شاید حمایت بین‌المللی از عراق کمتر شده ، زمینه برای سقوط صدام و اجرای طرحهای ایران ، فراهم شود . خامنه‌ای در خطبه نماز جمعه بار دیگر تکرار کرد که : " . . . خواست ما خاک و سرزمین نیست . . . ما با هیچ کشور و هیچ کسی دیگر کاری نداریم و این وسوسه‌هایی که دشمنان ما در دل کشورهای همسایه به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس در مورد حمله ما پس از سرنگونی صدام به آنان ، در بین آنها پراکنده‌اند را تکذیب می کنیم ."

رفسنجانی با لحن صریح ، حمایت آمریکا را می طلبد : "فکر می کنم آقای ریگان این چیزی که گفته بودند جدی است و تشخیص دادند که این چیز خوبی است (رابطه با ایران) ، اما در داخل آمریکا مخالفین ریگان ایشان را شکست دادند



من در آن لحظه مرگ را حس کردم...

در طول جنگ ۶ ساله، ایران و عراق فاهیمی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند که در هیچ کدام از جنگ‌های بین دو کشور در تاریخ معاصر جهان سابقه نداشته‌اند.

فاهیمی مانند "جنگ‌شهرها"، که در پهنای آن بباران و موشکباران بیرحمانه شهرها و روستاها و کابوس مرگ بر سر شهروندان غیرنظامی نهفته است.

ابعاد فاجعه‌بار جنگ غالباً با آمار و ارقام

بی‌روح و بی‌جان تصویر می‌شوند، اما شاید هیچ بیانی، گویاتر از کلام بی‌پیرایه، کودکان و نوجوانان منعکس‌کننده، بی‌رحمی خونبار این جنگ هولناک نباشد.

نامه، زیر را دختر ۱۲ ساله‌ای خطاب به یکی از دوستان خود در خارج از کشور نوشته است که بیانگر حال و روز هموطنان بلادیده‌ها مان درگیر و در جنگ شهرهاست:

دیورا . . .

هفت سال است زمین

سوکوار است و زمین

دیو خونخواره جنگ،

کرده هر گوشه کمین

می‌برد،

یک از این خانه و آن کومه،

جوان

می‌کند

ده ده از این گوشه و آن گوشه،

روان

تا به یک حمله نماید همگی را قربان!

و،

که ضحاک جماران نشود سیر از خون

بیش از اینهاست،

ورا،

مرتب‌تکین و جنون!

"نور" را باید از آن پشته فراخوانده زیر

پرده برداشت از افسانه، پیرجاد و

جنگ را جنگ فراکند و بیفکند به بند

دیورا راند از این خانه و

در بست پراو

پرتو

دیماه ۶۵

در روزنامه، دیروز عصر که خواندم نوشته بودند که ۷۲۰ نفر در سندان گشته و زخمی شدن البته ۲۳۰ نفر کشته و بقیه زخمی شدن اینهم از خبرهای جنگ

رساندند. خلاصه البته بمبها هم خیلی نزدیک ما بودند اگر یاد داشته باشید که شهرسازی (لوناپارک) کجا هست آنجا افتاده و خیلی هم دور از ما نبوده. بعد از این ماها را تعطیل کردن که برویم به خانه‌هایمان البته این دفعه اول نبود در تابستان هم خیلی به تهران آمده و بمبهای زیادی ریخته بودند ولی هیچگاه به این شدت نبود. بعد از اینکه ما را تعطیل کردن من و خواهرم و ۳۰۰۰ یکی دیگر از همسایگان ما برای سوار شدن اتوبوس به صف رفتیم که در این لحظه پدرم به دنبال ما آمد. من هم تا پدرم را دیدم شروع کردم به گریه کردن حالا تمام بچه‌ها مانده‌اند که من در آن لحظه وحشتناک گریه نکردم، حالا گریه می‌کنم خلاصه این از این روز وحشتناک عصر همان روز وقتی روزنامه می‌خواندم نوشته بود که هواپیماهای عراقی با حمله فوری ضد هوایی تهران مواجه شدند و بمبهای خود را در اطراف تهران ریخته‌اند و رفته‌اند. چند روزی می‌نویسند ما در آن لحظه مرگ را حس کردیم و آنها می‌نویسند که در اطراف تهران ریخته و رفته‌اند. حالا خدا را شکر می‌کنم که نمردم و دارم این حوادث را برای تو می‌نویسم. چندی قبل هم بمب دیگری در تهران منجر شد و خیلی هم به ما نزدیک بود به صورتی که تمام شیشه‌های ما لیزید در آن لحظه من داشتم عربی می‌نوشتیم که صدای انفجار را شنیدیم و یک دفعه دوتر از روی صندلی پریدم و وقتی که به کنار پنجره رفتم دود بسیار غلیظی دیدم که به هوا می‌رود. البته وقتی پدرم دید گفت نزدیک است انبار مهمات بوده است و عمو من هم آنجا کار می‌کند و ما فوری به آنها تلفن کردیم که ببینیم صدمه ندیده باشد و عمو من هم گفت که چند کیلومتری ما بوده است. در آن حادثه تعداد زیادی مردند ولی روزنامه نوشتند پنج نفر صدمه دیدند که به بیمارستان منتقل شدند. پس نتیجه می‌گیریم که ما اگر تا عید زنده بمانیم هنر کرده‌ایم، چون همانطور که شاید بدانی ایران دوباره دست به حمله‌های جدیدی زده و موشکهای زیادی هم به بغداد زده. حالا ما باید شکر کنیم که عراق موشک نمی‌زند. ولی بعید نیست که موشک هم بزنند. امیدوارم که نزنند. تو باید خیلی خوشحال باشی که در تهران نیستی تا این لحظه‌های وحشتناک را ببینی. هم‌طور صبح هم دوباره آمدند و کلی ما را ترساندن. مادر بزرگم می‌گوید که دیگر برای ما خواب راحت را هم حرام کردند.

. . . سلام. امیدوارم که حالت خوب باشد. حال من که اصلاً تعریفی ندارد، زیرا دانشم باید در ترس و لیز باشم که کی آژیر قرمز بکشد و هواپیماهای عراقی دوباره به تهران بیایند. شاید در روزنامه‌ها خوانده باشی که عراق دائماً به شهرهای ایران حمله می‌کند؛ حتی به هم حمله کرده است. البته همین دیروز بود که دوباره به تهران آمد و در حدود دو تا بمب انداخت و رفت. وقتی که بمب را انداخت ما همه در مدرسه بودیم. سرکلاس بودیم و آخرین ساعت را داشتیم و خانم داشت درس می‌پرسید. همه ما در حلقه و غراس بودیم که الان نیست کدام بد بختی است که باید درس جواب بدهد. در این لحظه صدای هواپیما را شنیدیم و احساس کردیم که بالای سرماست و افتادن دو چیز را هم شنیدیم که داین از آسمان می‌افتند. در این لحظه تمام بچه‌ها جیغ کشیدند و به راهرو ریختن تمام بچه‌های کلاسهای بالابا جیغ داد و فریاد زیاد به راهروهای پائین می‌آمدند. خانم ما هم که صدای هواپیما را شنید رنگش مثل گچ سفید شد و دسته‌های صندلی را چسبید و در اولیسن فرصت از کلاس رفت بیرون. وای . . . نمی‌دانم در آن لحظه چه حالی پیدا کردیم. هواپیما درست از روی سر ما گذشت و آنقدر پائین پرواز می‌کرد که صدای "سه" ما را کر کرد و بچه‌هایی که در حیاط بودند و زنگ ورزششان بود هواپیما ما را دیدند. خلاصه من در آن لحظه مرگ را حس کردم و گفتم که دیگه همه ما مردیم بچه‌ها همه گریه می‌کردند. بعضی‌ها هم از شدت گریه گیج شده بودند. البته من در آن لحظه گریه نکردم برای اینکه از شدت ترس که الان دارم می‌میرم دیگر جرأت گریه کردن نداشتم. خلاصه بعد از انداختن بمب صدای آمبولانس و آتشنشانی و البته بعد هم تازه صدای آژیر و ضد هوایی میدانی در جماران یک ضد هوایی اتوماتیک است که وقتی می‌زنند تمام پنجره‌های لوزه و صدای وحشتناکی داره بیش از آنچه که فکرش را بکنی و آنهم در آن لحظه وحشتناک شروع کرد به زدن ترس ما را چند برابر کرد شاید تا به حال اینگونه ترسها را تجربه نکرده باشی و فکر کنی که ما بیخودی ترسیدیم. ولی من فکر می‌کنم اگر در آن لحظه تو هم بودی جز کسانی بودی که غرور بودی و باید تو را به بیمارستان می‌

مصاحبه پژواک بارفیک عبدالله قادری، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

رفیق قادری : شهر "نوسود" از آغاز جنگ تا کنون، همچنان در دست پیشمرگان قرار دارد و رژیم چندین بار حمله های وسیع تلاش کرده این شهر را به تصرف خود درآورد ولی موفق نشده است .

تغییر تاکتیک نظامی حزب از جنگ جبهه ای به جنگ پارتیزانی بعد از کنگره ششم حزب، سیاستهای ویرانگرانه رژیم را خنثی نمود و نیروهای سرکوبگر آنرا به تنگ آورد .

مناطق استراتژیک و مهم، که شامل شهرها و بعضی نقاط دیگر، که هم از نظر جنگ علیه مردم کردستان و هم از نظر جنگ علیه عراق برای رژیم اهمیت فراوانی دارد، تحت کنترل شدید رژیم می باشد، با وجود این پیشمرگان هر وقت بخواهند می توانند به داخل شهرها نفوذ کنند . چنانکه عملیات نفوذی پیشمرگان بدخل شهرها در چند ماه گذشته بین این ادعاست .

منطقه دوم، مناطقی است که ما آنها مناطق مختلط می نامیم، در این مناطق رژیم از ساعت ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر جاده ها را بمنظور حمل نفرات و وسایل نظامی می بندد و با کم کردن مأمورین تا مین در سراسر جاده های مهم، کنترل آنها را در دست می گیرد، که پارها این مأمورین از طرف پیشمرگان مورد حمله واقع شده و ضربات شدیدی به آنان وارد آمده است . از ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۸ صبح روز بعد که نیروهای رژیم به پایگاههای خود پناه می برند، مجدداً کنترل این مناطق بدست پیشمرگان می افتد . در این مناطق رفت و آمد پیشمرگان کار مشکلی نیست چرا که بسیاری از افراد رژیم از رفت و آمد پیشمرگان اطلاع دارند، ولی برای حفظ جان خود این اصل را پذیرفته اند که اگر پیشمرگان به پایگاه حمله نکنند، آنها نیز کاری به آمد و رفت پیشمرگان نداشته باشند . تنها تعداد کمی از پایگاهها که از اهمیت استراتژیک برخوردارند و فرماندهی آنها پاسداران حزب الهی به عهده دارند، که گاهی بسوی پیشمرگان تیراندازی می کنند و پیشمرگان نیز مقابل به این تیراندازها پاسخ می دهند . بعبارت دیگر با وجود ۳۰۰۰ پایگاه، رژیم به هیچ وجه قادر نیست از رفت و آمد پیشمرگان جلوگیری بعمل آورد .

منطقه سوم؛ منطقه ایست که کاملاً تحت کنترل پیشمرگان است و بیشتر در نوار مرزی قرار دارد، یعنی از جنوب کردستان در مرز عراق تا شمال آن در مرز ترکیه امتداد پیدا می کند . پیشمرگان با تسلط کامل در این مناطق مستقر هستند، برای نمونه شهر نوسود را می توان مثال آورد که از آغاز جنگ تا کنون همچنان در دست پیشمرگان قرار دارد و رژیم چندین بار با حمله های وسیع تلاش کرده این شهر را به تصرف خود درآورد ولی موفق نشده است .

تغییر تاکتیک نظامی حزب از جنگ جبهه ای به جنگ پارتیزانی بعد از کنگره ششم حزب، سیاستهای ویرانگرانه رژیم را خنثی نموده و نیروهای سرکوبگر آنرا به تنگ آورده است . اگر چه این تغییر و درگیری مشکلاتی به همراه داشت ولی با کوشش فراوان حزب تاکتیک جدید جا افتاده است و پیشمرگان حزب نه تنها جنگ پارتیزانی را پذیرفته اند بلکه آنرا کاملاً فرا گرفته اند، در حال حاضر کادر و پیشمرگان حزب خود را با شرایط موجود سازگار کرده و در حالت کاملاً پارتیزانی قدرت و برتری خود را در مقابل نیروهای سرکوبگر رژیم نشان داده اند . برخلاف سالهای گذشته، این نیروی پیشمرگ است که زمان و مکان جنگ را انتخاب و ابتکار عمل را در دست دارد و عامل تعیین کننده جنگ و گریز به زیان دشمن و به نفع خویش می باشد . بعبارت دیگر پیشمرگ حزب اکنون تبدیل به نیروی پرتوان پارتیزانی گشته که در همه جای کردستان هست و در هیچ مکانی مستقر نیست . به همین جهت نیروهای رژیم آسیب پذیرتر از قبل شده و مرتب غافلگیر می شوند و بر اثر ضربات خرد کننده پیشمرگان نیروهایشان متلاشی می گردد . از سوی دیگر، روحیه افراد رژیم بسیار پایین آمده است و دیگر مانند سابق نه به خطا مام ایمان دارند و نه آماده شهید شوند . سابق بر این افراد رژیم تا آخرین فنشک می چلند و ولی اکنون خیلی زود تسلیم می شوند . تصرف بیش از ۳۰ پایگاه در ۹ ماه گذشته توسط پیشمرگان نشان دهنده این امر است . از نظر سیاسی نیز، رژیم در کردستان کوچکترین موفقیتی کسب نکرده است . جمهوری اسلامی بعد از ۷ سال تلاش همه جانبه هنوز موفق نشده کوچکترین پایگاهی در میان مردم کسب نماید . مردم کردستان بشیوه های مختلف نفرت و انزجار خویش را نسبت به رژیم بدون ترس و وا همه نشان می دهند . مثلاً در اکثر شهرهای کردستان مردم عموماً از شرکت در نماز جمعه که

سؤال : از آنجا که مصاحبه ما در آستانه روز پیشمرگه انجام می شود، رفقای ما مایلند درباره تاریخچه پیشمرگه و اینکه این نام به چه کسی اطلاق می شود بیشتر بدانند . آیا همه افراد مسلح حزب، پیشمرگه هستند ؟

جواب : با توجه به اینکه، پیشمرگ حزب دمکرات در مبارزه سخت و خونین خویش بویژه در ۷ سال گذشته نقش اساسی داشته و در اوج فداکاری و جانبازی موجودیت ملتش را به تمام جهانیان به اثبات رسانیده، پلنوم دوم کنگره ششم حزب در مرداد ماه سال ۱۳۱۳ تصمیم گرفت که روزی از سال را بنام روز پیشمرگ، نام گذاری نماید تا در تاریخ حزب و خلق ثبت گردد . روزی که هم یسار آور افتخارات و حماسه آفرینیها و هم روز ارج نهادن و قدر شناسی از پیشمرگ، این سمبل آزادی و از خودگذشتگی باشد . لذا روز ۲۶ آذر (۲۶ مه ماون) انتخاب و به تصویب رسید .

۲۶ آذر ماه از آنجهت انتخاب گردید که یادآور رویداد تاریخی مهمی در دوران مبارزات ملت کرد بویژه حزب دمکرات می باشد، چرا که در روز ۲۶ آذر سال ۱۳۱۴ شمسی، عده ای از فرزندان دلیر کرد در شهر مهاباد، به شهرپرسی این شهر هجوم بردند و در عرض کمتر از یک ساعت، با دادن یک نفر قربانی موفق شدند آنرا به تصرف خود در بیاورند و آخرین لانه فساد و نشانه حاکمیت ستم شاهی پهلوی را از بین ببرند . در چنین روزی بود که در بخش کردستان حاکمیت سیاسی بدست مردم افتاد و سپاه ملی تاسیس گردید . حفظ امنیت و دفاع از موجودیت ملت به سپاه ملی واگذار و بدینسان به آن رسمیت داده شد . بعد از تاسیس جمهوری خود مختار کردستان در دوم بهمن ماه سال ۱۳۱۴ شمسی و شکل گیری سپاه ملی در مهاباد، برای اولین بار کلمه مقدس پیشمرگه به افراد سپاه ملی اطلاق و پسران آن ورد زبان خاص و عام گردید . بطوریکه این نام از مرزهای کردستان ایران گذشت و جان باختگان و مبارزین راه رهایی و آزادی در دیگر بخشهای کردستان کشورهای همسایه نیز از نام پرافتخار پیشمرگه استفاده نمودند و به این ترتیب رسمیت بیشتری یافت . روز ۲۶ آذر در تاریخ مبارزات خلق کرد یادآور حماسه، روز تاسیس نیروی پیشمرگه، روز به حاکمیت رسیدن مردم در بخش کردستان و روز پایان حاکمیت زور و قلداری حکومت مرکزی است . پیشمرگه به کسی گفته می شود که به استقبال مرگ می رود، به این معنی که با آگاهی کامل، مرگ را بجان پذیرا می شود تا ملتش زنده بماند، بعبارت دیگر حائلی است بین مرگ و زندگی ملت و تمام اعضای حزب دمکرات کردستان ایران پیشمرگ هستند .

سؤال : وضعیت فعلی کردستان ایران بویژه وضعیت نیروهایی که علیه رژیم در حال مبارزه اند، در چه حال است ؟ موقعیت نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی چگونه است ؟

جواب : می دانید که کردستان مدت بیش از ۷ سال است که در برابر تهاجمات همه جانبه یکی از درنده ترین و غیر انسانی ترین رژیمهای جهان مقاومت می کند . در این مدت مردم کردستان با پشت سر گذاشتن مراحل مختلفی پرچم مبارزه را همچنان برافراشته نگاه داشته اند و خوشبختانه کوششهای رژیم جمهوری اسلامی نتوانسته است مقاومت کردستان را درهم بشکند .

رژیم، فشار زیاد آورده که بر کردستان تسلط یابد، حدود دوست هزار نفر از نیروهای خود را، ام از ارتشی، پاسدار، بسیجی و جاش یعنی افرادی از کردها که با رژیم همکاری می کنند (که خوشبختانه در این اواخر تعدادشان روز بروز کاهش می یابد) در سه هزار پایگاه کوچک و ۲۵۰ پادگان بزرگ در کردستان تمرکز داده، ولی با اینها موفق نشده است در هیچ زمینهای کردستان را تحت کنترل خود درآورد .

در حال حاضر، از نظر نظامی در کردستان سه نوع منطقه وجود دارد، یکی

بکشد و مجدداً در یکی از مناطق کردستان جنایتی مانند اورامانات بیار باید . حزب دکرکرات هرگز نخواسته است که کومه را از عرصه سیاسی و نظامی طرد نماید، تنها انتظار دارد که کومه بر سر عقل بیاید و واقعیاتی را بپذیرد که مردم کردستان و اغلب سازمانهای سیاسی بر آن واقفند . شرایط حزب هم برای آتش بس و مذاکره و رسیدن به یک صلح دائمی در کردستان صرفاً بر این اصل گذاشته شده است .

سؤال : نظر شما درباره فعالیت سایر نیروهای انقلابی در کردستان و مناطق دیگر ایران چیست ؟ چه نقش و وظایفی برای این نیروها قائل هستید ؟ بویژه ما یلیم پاسخ شما را در ارتباط با شعار اصلی شما یعنی خودمختاری برای کردستان و آزادی برای ایران بدانیم .

جواب : در شرایط فعلی به غیر از کومه ، چندین سازمان سیاسی ایرانی نیز مراکزشان در کردستان هست . این سازمانها از کردستان همچون پایگاه امنی استفاده می‌نمایند و نقش چندانی در مبارزه مسلحانه کردستان ندارند . علیرغم تبلیغات اغراق آمیز و دروازه‌وار واقعیت بخشی از سازمانها ، متأسفانه در سطح سراسری ایران نیز نیرو و مقاومت مسلحانه جدی وجود ندارد که بتواند در سرنگونی رژیم تأثیر داشته باشد . بدین ترتیب مردم کردستان ، بویژه حزب دکرکرات به تنهایی در برابر فشار رژیم در کردستان ایستاده و بار سنگین مبارزه و دفاع از دکرکراسی و خودمختاری را تنها بردوش می‌کند . رژیم بجز جنس و آنهم بعثت جنگ با عراق ، خاطر جمع و آسوده از سایر بخشهای ایران ، تمام نیرو و فشار خود را متوجه کردستان نموده است . در چنین شرایطی وظیفه سایر سازمانها و نیروهای مترقی است که نقش خود را ایفا نمایند و توده‌های ناراضی و متغیر از رژیم که اکثریت مردم ایران را تشکیل می‌دهند ، شکل داده و به حرکت در بیاورند و از این طریق هم به جنبش کردستان که بخشی از جنبش سراسری ایران است کمک نمایند و هم مبارزه و حرکت انقلابی را به سایر بخشهای ایران گسترش دهند . ما معتقدیم ، جنبش انقلابی خلق کرد هرچقدر هم نیرومند باشد در بهترین حالت می‌تواند رژیم را تضعیف نموده و شرایط سرنگونی آنرا فراهم نماید . بر همین اساس است که دیگر نیروهای مترقی ایران وظیفه سنگین و تاریخی دارند که جنبش منطقه‌ای را به سراسر ایران تعمیم داده و با اتحاد و یکپارچگی ، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام دکرکراتیک در ایران را تضمین نمایند .

سؤال : طرح پیشنهادی حزب دکرکرات در باره تشکیل جبهه دکرکراتیک به کجا انجامید ؟ چه پیشرفتهایی در رسیدن به اولین مراحل آن حاصل شده است و چه نیروهایی از نظر شما می‌توانند در جبهه مزبور شرکت کنند ؟

جواب : پس از پیشنهاد حزب در مورد تشکیل جبهه که در سرمقاله روزنامه کردستان شماره ۱۱۴ ارگان کمیته مرکزی حزب آمده و به خطوط کلی آن اشاره شده است . چه از طریق مذاکرات و نشستهای حضوری و چه از طریق پیام یا تعدادی از سازمانها و شخصیتهای مترقی و دکرکراتیک که برای سرنگونی رژیم خمینی مبارزه می‌کنند و هوادار جمهوری هستند و پلورالیسم سیاسی را می‌پذیرند ، جواب مثبت داده شد و می‌توان گفت در مورد خطوط کلی آن نیز نسبتاً به توافقهای شفاهی رسیدیم . پلنوم اخیر حزب دکرکرات که در آذرماه گذشته برگزار شد ، نتیجه این مذاکرات و نشستها را که در تابستان گذشته بعمل آمده بود مورد بحث و تبادل نظر قرار داد و پس از بررسی و جمع بندی کلی ، یکبار دیگر بر ضرورت آن تأکید ورزید و به اتفاق آراء تصویب نمود که در آینده نزدیک از سازمانها و گروهها و شخصیتهایی که با آنان مذاکره شده و امکان آمادگی برای نشست اولیه در بین آنان وجود دارد علاوه پیشقدم باشد و دعوت بعمل آورد ، تا مراحل مقدماتی و نخستین آن فراهم و از مرحله حرف به مرحله عمل تبدیل گردد . ترکیب جبهه برای نشستهای نخستین ، تقریباً بر اساس تبادل نظرهای شفاهی با بعضی از سازمانها و شخصیتها مشخص شده و بطور کلی می‌توان گفت سازمانها و شخصیتها و احزاب مترقی و دکرکراتیک که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و برای سلطنت و سیستم پادشاهی کوشش نمی‌کنند و هوادار جمهوری هستند و پلورالیسم سیاسی را قبول دارند را شامل می‌شود .

سؤال : چه پیامی برای سایر نیروهای انقلابی و از جمله خوانندگان "پژواک" بقیه صفحه ۱۰

رژیم برپاکننده آن است خود داری می‌ورزند . در تمام کردستان حتی یساک شخصیت کرد را نمی‌توان یافت که با رژیم همکاری نماید . بغیر از عده معدودی ملاهای درجه دوم و سوم کردستان که بعنوان پیشنهاد یا امام جمعه تعیین شده‌اند ، بظاهراً رژیم کنار آمده‌اند ، لیکن همین ملاها نیز کوشش دارند از طرق مختلف با جنبش کردستان تماس بگیرند و همکاری خود را با جمهوری اسلامی از روی ناچاری و اجبار قلمداد نمایند . و همین طور هیچ گروه سیاسی و یا اجتماعی دیگری در کردستان پیدا نمی‌کنند که با رژیم همکاری نمایند . تحت تأثیر سران برخی از عشایر ، عده‌ای بنام جاشد را وایل جنگ علیه مردم کردستان با رژیم همکاری می‌کنند . خوشبختانه تعداد این افراد روز به روز کاهش می‌یابد . بطور کلی مردم کردستان به ماهیت رژیم بی‌برده و روز به روز برانزجارشان نسبت به این رژیم افزوده می‌گردد . بدین ترتیب رژیم از نظر سیاسی در کردستان کاملاً منزوی شده و پس از بکشتن دادن چهل هزار نفر و ۷ سال جنگ ، هیچگونه پایگاه مردمی بدست نیاورده است .

سؤال : درگیری‌های مداوم نیروهای حزب دکرکرات و کومه ، موجی از نگرانی در میان نیروهای انقلابی ایجاد کرده است . موضع شما پیرامون این درگیریها چیست ؟

جواب : موضع ما در برابر کومه مشخص است . عامل اصلی این درگیریها خود کومه است . تحلیلی که کومه از جامعه کردستان می‌نماید و هدفهایی را که برای خود مشخص کرده است ، علت اصلی این درگیریها را تشکیل می‌دهد . در تئوری کذایی معروف به تئوری مثلث ، که به قلم آقای عبدالله مهتندی در نشریه کمونیست چاپ و فرموله شده است ، کومه ادعا مینماید که در کردستان یک مثلث وجود دارد که یک ضلع آن بورژوازی ایران به نمایندگی جمهوری اسلامی و ضلع دیگر آن بورژوازی کردستان به نمایندگی حزب دکرکرات و ضلع سوم آن پرولتاریا به نمایندگی کومه است . در یکی دیگر از نشریات کومه در مقاله‌ای که از طرف یکی از اعضای دفتر سیاسی نوشته شده ، آمده است که خطر بورژوازی خودی بیشتر است و به همین علت در صورت لزوم باید از جنگ علیه رژیم خودداری نمود و به جنگ علیه حزب دکرکرات اولویت داد . قبل از اینکه کومه خود را حزب کمونیست بنامد ، رهبران وقت آن چند درگیری با حزب دکرکرات ایجاد کردند که با برخورد مسئولانه و سعی فراوان رهبریت حزب دکرکرات ، این درگیریها از طریق تفاهم حل و فصل گردید و در نتیجه برخورد منطقی حزب از گسترش آن جلوگیری بعمل آمد . بنا به اقرار رهبران کومه در مذاکراتی که به دست حزب افتاده است ، جنگ بین کومه و حزب دکرکرات سرانجام در خواهد گرفت ، پس هر چه زودتر بهتر . کوششهای صلح جویانه و منطقی حزب در مورد درک این مطلب که جنگ به ضرر جنبش دکرکراتیک کردستان و سراسر ایران است ، از طرف رهبران کومه به نتیجه‌ای نرسید و سرانجام درگیری ۲۵ آبان ۱۳۶۴ در اورامانات را بوجود آوردند . اینبار نیز با کوشش دفتر سیاسی حزب دکرکرات ، مجدداً قرارگاه کومه علیرغم خواست مردم منطقه به اورامانات بردراندند . در این منطقه همکاری با افراد کومه به جایی رسید که برای جلوگیری از نفوذ عمال خمینی ، در میان دو سازمان کومه و حزب دکرکرات ، اسم شب گذاشتند . ولی افراد کومه با استفاده از همین اسم شب و حسن نیست پیشمرگان حزب ، شب دیروقت نگاهبانان حزب را گرفتند ، اول آنها را کشتند و سپس با آرمی جی . بی . جی . به مقرهای حزب حمله نمودند و جنایت بزرگ ششپهمن را بیار آوردند و به این شکل جنگ سرتاسری را بر حزب دکرکرات تحمیل کردند ، و در مورد اقدام به این جنایت حتی افتخار هم نمودند . پس از آن ، این واقعیت برای کومه روشن شده که با حزب دکرکرات نمی‌تواند بچنگد و خواستار آتش بس بی‌قید و شرط شد . پیشنهاد آتش بس بی‌قید و شرط کومه و حزب کمونیستش کاملاً عوارضیه است و فقط بمنظور تجدید سازماندهی جدید و بالاخره ادامه جنگ و به خیال خود جنگ تا پیروزی است . در نتیجه این جنگ صد مسات جبران ناپذیری بر پیکر کومه وارد آمده است و نیروهایش روز بروز به تحلیل می‌روند .

در حال حاضر افراد کومه تنها در یک نقطه از کردستان ایران مستقر می‌باشند و آن منطقه "سرشیو" واقع در بین میوان و بانه و سقز است . از همه کردستان جنوبی و مرکزی و شمالی رانده شده‌اند و بیشتر به همین دلیل است که فریاد صلح سرداده‌اند .

حزب دکرکرات نمی‌خواهد با کومه صلحی برقرار کند که تنها یکی دو ماه طول

گزارش میخائیل گورباچف

به پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی*

زبان رسانده است. ما موفق به حل مسایل اشتغال مردم کردیم و تضمین اجتماعی آنها با خصلتی اساسی، تأمین نمودیم، اما ما همزمان نتوانستیم که از امکانات بهبود وضع مسکن، تهیه مواد غذایی، سازماندهی حمل و نقل و امکانات پزشکی استفاده کنیم و نیز نتوانستیم یک سری از مشکلات اساسی دیگر را بطور کامل، برطرف سازیم.

"مهمترین اصول سوسیالیسم، هر کس به اندازه کارش - نقشگریدند و مبارزه علیه درآمد هاین که از کار حاصل نشده است، فاطمانه انجام نگرفت. یک ایدئولوژی انکلی صفات ظهور کرد و روانشناسی "پنهنمانی" تحمیل یافت. در سالهای اخیر، عناصری از تخریب اجتماعی پدیدار گردیدند که به گونه‌های منفی در رفتار روانی جامعه، تأثیر گذاشتند و ارزشهای والای اخلاقی را که همیشه جزوی جداناپذیر از مردم شوروی بودند، نابود ساختند. ایدئولوژی و روانشناسی انجماد، در موقعیت فرهنگ، ادبیات و هنر نیز، منعکس گردیدند. معیارهای ارزشیابی خلاقیت هنری، فروگوش گردید.

گورباچف در گزارش خود بیان داشت که اگر چه حزب و کادرهایش، کساری خارقالعاده انجام دادند، اما ارگانهای رهبری نتوانستند به موقع و بطور انتقادی، خطر گرایشات منفی و روبه افزایش را در جامعه و در رفتار بخشی از کمونیستها تشخیص دهند و تصمیماتی اتخاذ کنند که زندگی ضرورت آنها مسی طلبید. اصل کار جمعی نقض گردید و نقش جلسات حزبی و ارگانهای انتخاب شده، تضعیف شد. بسیاری از اعضای حزب در موضع رهبری غیر قابل کنترل و غیر قابل انتقاد بودند. تضمینهایی که برای پاکیزگی صفوف حزب، مقرر گردید، بودند، اغلب بدون تأثیر باقی ماندند.

"رفقا! همه آنچه که گفته شد، نشان می‌دهد که تا چه اندازه وضعیست در بخشهای مختلف جامعه، جدی است و تا چه اندازه در کمونیسم عیسفا بنیادی، ضروری است. رفقا! در این موقعیت مسأله تسریع رشد اقتصادی اجتماعی کشور و دگرسازی، مطرح گردیده است. در اساس، مسأله بر سر یک تحول و اقدامات با خصلت انقلابی است. راحت بگویم که ما هیچ راه دیگری نداریم. ما اجازه نداریم که به عقب بازگردیم، ما نمی‌توانیم نیز که بازگردیم.

گورباچف در مورد روند دگرسازی در اتحاد شوروی، گفت که هدف نهایی، نوسازی بنیادین تمام جوانب زندگی کشور، دادن مدرنترین اشکال سازمان اجتماعی به سوسیالیسم و گسترش هر چه بیشتر خصلت انساندوستانه، نظم سوسیالیستی در تمام جلوه‌های اساسی آن، جلوه اقتصادی، سیاسی - اجتماعی و اخلاقی - است.

اقدامات چندینی که تا کنون انجام شده‌اند، به این زودی انعکاس واقعی و مفید خود را نشان نخواهند داد. اما امروز نیز می‌توان نتایج عملی آن را دید. میخائیل گورباچف، برآورد اولین سال - ۱۹۸۶ - برنامه رشد اقتصادی و اجتماعی پنجساله را، در گزارش خود، تحلیل کرد. درآمد ملی، در سال گذشته، در مقابل رشد متوسط سالانه ۳/۶ درصد در سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱، به ۴/۱ درصد، افزایش یافته است. در سال گذشته، تولید صنعتی در مقابله با ۹ سال اخیر، به بالاترین درجه رشد خود رسید. رشد بخش کشاورزی بهتر شده است. در سال ۱۹۸۶، مثلاً غلات نزدیک به ۳۰ میلیون تن، یعنی ۱۷ درصد، افزایش یافته است. با این وجود، کار اصلی، هنوز انجام نگرفته است و پیشروی ما قرار دارد.

امروز، از آنجایی که دگرسازی در اولین مراحل خود می‌باشد، بویژه به است که موضوعی واقعگرایانه داشته باشیم کارهای انجام شده را، یعنی ارزیابی نماییم و نتایج کار را از مواضع دیروزی، مورد توجه قرار ندهیم.

میخائیل گورباچف، درباره این مسأله که آیا "تضمینهایی وجود دارند که روند دگر سازی تا به پایان ادامه یابد و اشتباهات گذشته، تکرار نگردند، گفت: "آری، ما چنین تضمینهایی داریم، و آن اراده واحد و عمل مشترک حزب و مردم است که با تجربیاتشان از گذشته و شناخت مسئولیتشان برای حال و آینده، میهن سوسیالیستی، متحد شده‌اند."

میخائیل گورباچف در مورد مشکل رشد دگر سازی سوسیالیستی بیان داشت که "روند دگر سازی کردن کنونی در همه زمینه‌های زندگی اجتماعی، به پیش می‌رود. کار سازمانهای حزبی زنده‌تر می‌شوند، صراحت، انتقاد و انتقاد از خود، افزایش می‌یابد، وسایل ارتباط جمعی فعالتر کار می‌کنند و سازمانهای

روز سه‌شنبه ۲۷ ژانویه ۸۷، میخائیل گورباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در گزارش خود به پلنوم کمیته مرکزی حسرتز به در موضوع مربوط به "سیاست دگر سازی و سیاست مربوط به کادرهای حزب" اعلام داشت که: "مسأله دگر سازی و سیاست مربوط به کادرها، می‌بایستی از زاویه سیاسی - اجتماعی و با در نظر گرفتن درآموزی از گذشته، خصلت دوران کنونی و با در نظر گرفتن وظایف آینده، مورد بررسی قرار گیرند.

میخائیل گورباچف گفت: "دگر سازی‌ای که هم‌اکنون در اتحاد شوروی در حال انجام است و تمام زمینه‌های زندگی را در بر می‌گیرد، بهتر شدن قطعی سیاست مربوط به کادرها را از ما می‌طلبد."

تصمیماتی که در پلنوم آوریل سال ۸۵ و در کنفرانس ۲۷ حزب کمونیست شوروی گرفته شده‌اند، برای سر نوشت کشور اهمیت تاریخی دارند. این استراتژی سیاسی، به تمام نیروهای سالم، تحریک بخشیده است. در کشور فضای جدیدی در حال بوجود آمدن است و شیوه تفکر تغییر می‌یابد. صراحت جای خود را هر چه بیشتر در جامعه باز می‌کند. بحث‌های مربوط به چگونگی راه‌های دگر سازی در اقتصاد، در زمینه‌های اجتماعی و معنوی، گسترش یافته‌اند. "دگر سازی را قطعاً آغاز کرده‌ایم و در این راه، اولین کامیاباها را - دستماییم. با یک ارزیابی سیاسی عمومی، با اعتقاد کامل می‌توان گفت که: "در زندگی جامعه شوروی، دگر سازی‌های اساسی و بنیادین در حال اجراست و گرایشات مثبت، رشد می‌یابند." در عین حال، میخائیل گورباچف تأکید کرد که دگر سازیها در جهت بهبود همه جانبه، به کندی پیش می‌روند، زیرا: "که دگر سازی و علل مشکلات بشمار و انباشته شده در جامعه، مشکل‌تر از آنی بودند که ما در ابتدا تصور می‌کردیم."

در گزارش تأکید شد که بارآوری مردم شوروی در هفته ده جهت تغییر، مسرات سوسیالیستی غیر قابل بیان است، اما این نتایج - اگر چه عالی باشند - سبب است که تضادها را در رشد جامعه و خطاها و رکودها را، پنهان سازند. میخائیل گورباچف در ادامه گزارش خود، گفت که "در دوره" مشخصی کشور از رشد خود باز ماند. مشکلات و مسائل غیر قابل حل، افزایش یافتند. اتحاد شوروی دچار یک رکود مطلق گردید و جلوه‌های غریب دیگری در سوسیالیسم پدیدار شد. در تنظیم و تدوین سیاست و فعالیت عملی، برخورد های محافظه کارانه، رخوت و تلاش برای لاپوشانی هر آن چیزی که با شیماهای معمولی، همخوانی نداشت، تفوق یافتند. "تزه‌های لنینی درباره سوسیالیسم، به گونه‌های ساده‌گرایانه، تفسیر و در موارد زیادی عسق و معنای این تزه‌ها، نابود گردیدند. این نابودی از جمله در مسایل اساسی‌ای مانند مالکیت اجتماعی، مناسبات ملی و طبقاتی، اندازه کار و مصرف، روشهای اجرای اقتصاد کاربرد قدرت خلق، خودگردانی و در یک سری از مسایل دیگر، صورت پذیرفته است. تادرجه مشخصی تصورات میان تهنی شده درباره کمونیسم، پیش‌بینیهای مختلف و پیشداوریهای مجرد، گسترش یافته بودند.

موقعیت در جنبه تئوری، به گونه‌های منفی در حل مسایل عملی تأثیر گذاشته بود. کنترل درباره اینکه چه کسی و چگونه در مورد مالکیت سوسیالیستی تصمیم می‌گیرد، بطور چشمگیری، کمبود داشته است. پیشداوریها در مورد مناسبات بالا - پول و در مورد چگونگی تأثیر قانون ارزش - و حتی در موارد زیادی معرفی و بیان این مسایل، مستقیماً علیه سوسیالیسم و با آن بیگانه بوده است. به پندارهای موهوم در اقتصاد، کم بها دادن به حسابرسی اقتصادی و به "بی اهمیتی" در ارزش گذاری کار لازم انجامیده است و پیامد آن اصول ذهنی در قیمت گذاری، اختلال در روند گردش پول و عدم توجه به مسائل مربوط به تنظیم عرضه و تقاضا، می‌باشد.

"بویژه، محدود کردن حقوق کارخانه‌ها و اتحادیه‌ها در حسابرسی اقتصادی پیامدهای سختی داشته‌اند. این مسایل، پایه‌های تحریک مادی را از میان برد و مانع گردید که نتایج نهایی در سطح بالا، برآورده شوند و فعالیت انسان در کار و در زندگی اجتماعی کاهش یافت و همچنین نظم و انضباط مورد بی توجهی قرار گرفت."

همه این مسایل به گونه‌های منفی تأثیر خود را در رشد بسیاری از زمینه‌های زندگی اجتماعی، گذاشت. بسیاری از برنامه‌های تولید مادی، بطور مشخص از اوایل دهه هفتاد، برآورده نشده‌اند. "روند های منفی به فضای اجتماعی

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب ه. ه.

جوان و زنان شوروی از شانس بیشتری برای مسئولیتهای مربوط به رهبری و مدیریت برخوردار شوند.

گوریاچف ضمن انتقاد صریح از دوران گذشته، یادآوری کرد که طی دهها سال، اصل کار جمعی خدشه دار شده و نقش اجلاسهای حزبی و ارگانهای منتخب بشدت تضعیف گشته است. بسیاری از مسئولین حزبی مشمول کنترل و انتقاد نمی شدند و فساد درون حزب به حدی افزایش یافته، که برخی از مسئولین بالای حزبی به همدستان باند های جنایی بدل شده بودند. گوریاچف در این رابطه خواهان وارد کردن خون تازه در رهبری و برکناری مسئولینی شد، که امروزه از عهده وظایف محوله بر نمی آیند.

میخائیل گوریاچف در انتقاد به سطحی نمودن آموزشهای مارکسیستی و تصورات میان تهی شده در باره کمونیسم از جمله یادآور شد که مضمون تئوریک سوسیالیسم در چارزده و در سطح دهه های ۳۰ و ۴۰ باقی مانده است. او همچنین یادآور شد، که تزه های لنینی در باره سوسیالیسم بطور ساده گرایانه تفسیر و در موارد زیادی عمق و معنای این تزه را روده شده است. او به درستی نشان داد، که دکرونیهای امروزین در جامعه شوروی نوعی چرخش بنیادین و اقداماتی دارای خصلت انقلابی است. او، حدود فکری و شیوه های تفکر کلیشه ای را با این جملات در خشان به یاد استهزا گرفت که:

"رفقا، این يك واقعیت است، که در گذشته بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی ما مدتها به عوض يك تحلیل واقعی از روندهای اجتماعی - اقتصادی و معنوی، دست به نوشتن تراکتیهای می زدند، که محتوای آنها شبیه تعریف و تمجید های هنگام بالابردن جامهای مشروب در ضیافت ها بود". میخائیل گوریاچف به عواملی که در دهه های گذشته باعث رکود اقتصادی در جامعه شده اند، اشاره نمود و مبارزه با این عوامل بازدارنده را خواستار شد. او در سخنرانی پر شور خود در يك کلام، شکاف فزاینده میان "دنیای واقعیات روزمره و رفاه نمایشی" را به صلابه کشید.

جالب توجه است، که پیشنهادات گوریاچف مبنی بر اصلاح در سیستم انتخابات، به همان شکل طرح شده، در قطعنامه نهایی صوب پلنوم کمیته مرکزی منعکس نشد. به گفته "یوگنی پوسنایاکف" دبیر بنگاه خبر پرکنسی نووستی: "در مورد پیشنهاد گوریاچف جهت بهبود سیستم انتخابات، در جلسه پلنوم بحث مبسوطی در گرفته است." او می افزاید: "اکثریت کمیته مرکزی با خطوط کلی این پیشنهادات موافقت داشته و از آن حمایت کرده است، در غیر این صورت در قطعنامه نهایی کلماتی از آن به میان نمی آمد." پوسنایاکف می افزاید: "تغییر در سیستم انتخابات، تنها از طریق اساسنامه کنونی حزب ممکن است و برای چنین اقداماتی لاقول باید تا برگزاری کنفرانس حزبی در سال ۱۹۸۸ صبر کرد."

موضحگیری فوق نشان می دهد، که در زمینه گسترش د مکراسی در جامعه از طریق نوگرایی در حیات حزب و شرکت دادن وسیع مردم در امور، مخالفتها و مقاومت های جدی در ارگانهای رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی وجود دارد. در واقع بیش از ۳۰۰ نفر عضو کمیته مرکزی حزب از اکثر پیشنهادات در زمینه های شتاب بخشیدن به اصلاحات اقتصادی، صراحت و بی پردگی در جامعه شوروی و انتقاد از مناسبات گذشته و محکوم کردن خطاهای دوران برژنف، حمایت کردند، ولی در مورد مساله لزوم گسترش د مکراسی سوسیالیستی و همچنین تصفیه صفوف حزب، نیروهای بازدارنده، مقاومت های نیرومندی از خود نشان دادند، که کار را در برخی تصمیمات که در قطعنامه نهایی منعکس شده، به نوعی سازش کنشیده است.

در مورد پرسنل و کادرهای حزبی، همانطوریکه انتظار می رفت، کونایف که از مقام دبیر کلی حزب کمونیست قزاقستان خلع شده بود، از ترکیب هیئت سیاسی نیز کنار گذاشته شد ولی این برکناری شامل "شجریستکی" دبیر کل حزب کمونیست اوکراین، که از وفاداران به خط برژنف است، نشد. در عوض "سیعیانین" که از دوره برژنف در مقام دبیری کمیته مرکزی بود، از این مقام برکنار شد و دو تن از هواداران اصلاحات و نوگرایی یعنی "نیکلای اسلیونکف" و "آنا تولی لویکانف" به این سمت برده شده اند.

بازتاب جهانی گزارش میخائیل گوریاچف به پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

"با آمدن گوریاچف، روند جدیدی در سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز گشته است و بطور واقعی می تواند به گام کیفی نوینی در تعامل این کشور منجر شود." به عقیده وی: "ترك الكوهای كهنه و روی آوری به نوگرایی، فرآیندی است که در بسیاری از کشورهای سوسیالیستی شروع شده است." او می افزاید: "با این کشورها نیروی لازم را برای تحولات بنیادی عرضه خواهند کرد و یا اینکه از فاصله تکامل عقب خواهند ماند و برای خود و سوسیالیسم در جهان پیامدهای منفی ببار خواهند آورد."

مجله "پلیتکا" چاپ بلگراد، ضمن یاد کردن از "میراث وخیم دوران برژنف" می نویسد: "جالب توجه است که نسخه هایی که گوریاچف می پیچد، در بسیاری زمینه ها شبیه نمونه های مورد عمل در یوگسلاوی است. رای مخفی و انتخاب مسئولین حزبی، رفرمهای اقتصادی، توجه به خودگردانی کارگاهها و توجه بیشتر به مسائل و روابط ملی، از سالها پیش در یوگسلاوی در حال اجرا هستند." بازتاب گزارش گوریاچف، در کشورهای سرمایه داری نیز جالب توجه بود. در فرانسه، حزب کمونیست این کشور، استقبال زیادی از پیشنهادات مطرحه در گزارش بعمل آورده است.

در ایتالیا، اساندریوناتا دبیر اول حزب کمونیست این کشور، طی يك مصاحبه تلویزیونی

گام نهاده است. همین روزنامه می نویسد: "علت اینکه گوریاچف اشتباهات دهه گذشته را مجددا بر شمرده، اینست که برای پرهیز از آنها و ساختن آینده، بهتر می بایست اشتباهات را ریشه یابی کرد. رهبران شوروی می توانند اشتباهات گذشته را زیر انتقاد بگیرند، چرا که تحول به مرحله ای کیفی رسیده است." "تربیتنا لودو" ارگان حزب کارگری لهستان با يك روز تأخیر اقدام به چاپ متن کامل سخنرانی میخائیل گوریاچف نمود. "نویس دوپچلاند" ارگان مرکزی حزب متحد سوسیالیستی آلمان و "اسکسا" ارگان حزب کمونیست رومانی هر دو، متن سخنرانی را به اختصار به چاپ رساندند.

در یوگسلاوی، تلویزیون این کشور، گزارش گوریاچف را به پلنوم کمیته مرکزی، "علی انقلابی" نامید و با تحسین از آن یاد کرد. به تفسیر این برنامه تلویزیونی: "رهبران اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی، به دلایل بسیار به تحولات و نوگرایی در جامعه شوروی علاقمندند زیرا آنچه که امروز گوریاچف می گوید و می کند آنچه که بشکل عالی تری قصد انجام آنرا در آینده دارد، تأیید دوباره ایست بر "خط یوگسلاوی" یعنی مشی ضد دکماتیسیم در ساختن سوسیالیسم. همچنین "مارکو اولانی چیک" از اعضای رهبری اتحادیه کمونیستهای یوگسلاوی در این رابطه میگوید:

بازتاب سخنرانی افتتاحیه میخائیل گوریاچف در نشریات و رسانه های گروهی احزاب کمونیست اروپای شرقی متفاوت بود.

روده پراو "ارگان مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی ضمن چاپ کامل سخنرانی میخائیل گوریاچف، در سرمقاله خود نوشت: "چکسلواکی از اصول نوگراییانه مطرح شده در نطق گوریاچف، بدون فید و شرط جانبداری می کند. این نوگرایی ها نه فقط مسائل بین المللی، بلکه چگونگی، برخورد با مسائل کنونی جامعه شوروی را نیز در بر می گیرند." مقاله می افزاید: "افتخار عمومی چکسلواکی توجه خاصی به توسعه د رونی اتحاد شوروی نشان می دهند." لازم به یادآوری است، که چاپ سخنرانی گوریاچف در روزنامه حزب کمونیست چکسلواکی، آنچنان استقبال بی نظیری رویو شد، که این روزنامه در ساعت ۷ صبح، تماما به فروش رسیده بود. این موضوع به گفته ناظران سیاسی به این دلیل صورت گرفته، که رهبران چکسلواکی تا چندی پیش، با رفرم و نوگرایی مخالفت می ورزیدند و معمولا بخشهای تند گفته های گوریاچف را در سایه مسائل دیگر فرار می دادند.

در مجارستان، "نپملل پاوا" ارگان سندیدهای کارگری در مقاله ای تحت عنوان "پاسخی به رهابت" یادآور می شود که: "جامعه شوروی به شکل برگشتناپذیری در جاده تغییر و تحول

بنیادگرایان اسلامی ترکیه چنگ و دندان نشان می‌دهند

آنها از طرف دیگر، راهگشای سازمان یافتن بنیادگرایان مسلمان در ترکیه بود. امروزه، جنبش بنیادگرایان ترکیه، شبکه‌های خود را در سراسر کشور به وجود آورده و بسیار سازمان‌یافته عمل می‌کند. بخش بزرگی از نیروهای مذهبی به شکل قانونی در حزب راه ترکیه متشکلند؛ ولی قسمت اعظم این نیروها سایر مذاهب و پیوندهای عمیقی با فرقه‌های رادیکال زیرزمینی دارند، که تأثیر تعیین‌کننده‌ای نیز بر احزاب سیاسی و سیاسی-مذهبی ترکیه می‌گذرانند. هواداران این فرقه‌های زیرزمینی را صدها هزار نفر تخمین می‌زنند، که علیرغم اختلاف نظرهایی در پاره‌ای مسائل فقهی، مجموعاً نیروی متشکل و خطرناکی را تشکیل می‌دهند. برای مثال فرقه "سعیدی نوری" که فراکسیون نیرومندی را در حزب حاکم یعنی حزب مام وطن ترکیه تشکیل می‌دهند و همچنین فرقه "سلیمان‌نست‌ها"، از نیرومندترین سازمان‌های بنیادگرای زیرزمینی در ترکیه می‌باشند. رهبران این جریانها، شیخ‌هایی هستند، که بارها و بارها مخالفت صریح خود را با مدنیت و زندگی مدرن و همچنین همه مظاهر کالیسم بیان داشته‌اند. آنها مانند رژیم خمینی، خواهان بازگشت به موازین قضایی اسلام و نظم اجتماعی طبق دوران صدر اسلام می‌باشند. البته این موضوع که اکثر قریب به اتفاق آنها پیرو تسنن هستند، آنها را از خمینی متمایز می‌کند، ولی از نظر افکار قشری و ارتجاعی و عقب مانده، تمایزی بین آنها نیست. در عین حال باید در نظر داشت، که رفرم‌های آتاتورک و بویژه مذاهب زدایی در جامعه، از موانعی است، که باعث شده این نیروها علیرغم رشد فزاینده، تا امروز نتوانند کنترل تئوکراتیک را بر همه عرصه‌های زندگی اجتماعی مسلط سازند.

انتخاب اوزال به نخست‌وزیری بعنوان مهره‌ای غیرنظامی و شرکت‌کننده اوزال با لباس غیرنظامی در مجامع عمومی، از جمله اقداماتی بود، که برای بزرگ کردن چهره کربه حکومت نظامی و رنگ و روغن زدن به دستگاه دیکتاتوری و بخشیدن ظاهر "دمکراتیک" و غیرنظامی به آن صورت گرفت. این امر بویژه بخاطر عضویت ترکیه در پیمان ناتو و کوشش این کشور برای پیوستن به بازار مشترک اروپا ضروری بود، چرا که از طرف متحدان اروپایی آن، قبولانیدن ترکیه به افکار عمومی مردم اروپا بعنوان همکار اقتصادی - نظامی، با وجود یک رژیم خشن دیکتاتور نظامی، نامیسر بود. ولی کیست که نداند، که امروز هم در ترکیه، حرف آخر را نظامیان کودتاگر می‌زنند و همه اهرم‌های قدرت در دست آنهاست.

اکنون حکومت کودتایی ترکیه، با یک کارنامه سیاه در مورد سرکوب خشن همه نیروهای دمکراتیک جامعه، رود روی نیروهای بنیادگرای مذهبی قرار گرفته است و ظاهراً در چنین مقابله‌ای هم چیز قابل عرضه‌ای ندارد. بی‌شک نیست، که اپوزیسیون ترکیه، دولت را مسئول مستقیم وضع موجود و زمینه ساز حوادث روزهای گذشته می‌دانند. آنها به درستی عنوان می‌کنند، که خود دولت اوزال در گذشته با میدان دادن به بنیادگرایان، زمینه‌پدایی وضع موجود را فراهم آورده است. اوزال که خود زمانی عضو حزب سلامت ملی ترکیه بود، بعدها با تاسیس حزب مام وطن، توانست بخش وسیعی از نیروهای بنیادگرا را به این حزب جذب کند و اکنون ناچار است، با دقت بی‌سند و فراکسیون حزب، یعنی نیروهای لائیک (طرفداران جدایی دین از حکومت) و مسلمانان بنیادگرا، بند بازی کند. البته باید یادآور شد، که توازن قوا در درون همین حزب، طی سالهای اخیر بطور روشنی به نفع بنیادگرایان بهم خورد. یکی از علل عمده آنها همانطور که در بالا ذکر آن رفت، تاسیس تعداد زیادی مدارس آموزش قرآن در زمان دولت اوزال است، که امروزه بطور علنی حدود ۲۵۰ هزار متحصص مذهبی را در بر می‌گیرد.

سازمان امنیت ترکیه، در گزارش خود به کنعان اوزال - که اخیراً انتشار نیز یافته است - از جمله یادآور شده است، که امروزه خطر بنیادگرایان مذهبی در ترکیه، از خطر کمونیست‌ها بیشتر است. آنها دارای پایه توده‌ای در میان مردم هستند و در همه استانهای ترکیه بطور سازمان‌یافته عمل می‌کنند. بنا بر این گزارش، فرقه‌های بنیادگرای مسلمان با کمک‌های مالی رژیم خمینی، کسه‌ها را توسط صادرات شرکت‌های ایرانی به داخل ترکیه سرازیر می‌شود، تغذیه می‌شوند. همچنین، بنیادگرایان امروزه در اکثر ارکانهای عالی دولتی و مملکتی دارای مواضع کلیدی می‌باشند. این نفوذ حتی شامل دستگاه‌های امنیتی و انتظامی نیز می‌شود. در ماه دسامبر سال گذشته، ۶۶ افسر آکادمی نظامی **بفید رصفحه ۱۰**

مدتی است که جنگ قدرت بین مسلمانان بنیادگرای ترکیه و رژیم دیکتاتوری وابسته کنعان اوزال، بخود اشکال عریانی گرفته است. پس از اینکه چندین پیشر، توسط مسئولین اداره امور دانشگاهی ترکیه، ورود دختران دانشجویان حجاب اسلامی، به محوطه دانشگاهها، غیرقانونی اعلام شد؛ هفته گذشته، برای اولین بار در حیات هفت ساله دیکتاتوری نظامی ترکیه، تظاهرات وسیعی از طرف مسلمانان بنیادگرای وابسته به سازمان "جهاد"، در شهر استانبول برپا گردید. نمایش قدرت بنیادگرایان، با گرد همایی آنها برای نماز جمعه در مسجد بایزید استانبول آغاز شد. در این مراسم، "اریکان" رهبر حزب سلامت ملی ترکیه (که بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ غیرقانونی اعلام شده است)، حضور یافت و دست به سخنرانی تحریک آمیز علیه رژیم زد. بعد از مراسم نماز جمعه، هزاران نفر و از آن جمله تعداد زیادی زن با حجاب اسلامی با شعارهای "زنده باد ترکیه اسلامی" و "ننگ بر آتاتورک"، دست به راهپیمایی بدون اجازه قبلی زدند. آنها در این راهپیمایی صریحاً خواستار احیای موازین شرعی اسلام در جامعه شدند. رفتار پلیس ترکیه که از چنین تظاهراتی بهت زده می‌نمود، آرام و بدون واکنش تحریک آمیز بود؛ ولی در پایان، عفت نفر به جرم اخلاف در نظم و ایجاد آشوب، بازداشت شدند. پلیس ترکیه بعد از اعلام کرد، که دو نفر از بازداشت شدگان دارای ملیت ایرانی بوده و جاسوس خمینی محسوب می‌شوند. متعاقب این راهپیمایی، در شهرهای دیگر ترکیه از جمله: مالاتیا، بورسا، آدانا، قونیه و قازان نیز تظاهراتی از طرف نیروهای قشری و بنیادگرای مسلمان برقرار شد.

به دنبال حوادث فوق، اوزال نخست‌وزیر ترکیه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در ترکیه را احضار کرد و به او در مورد دخالت عناصر ایرانی در وقایع یاد شده تذکر داد. همچنین کنعان اوزال رئیس‌جمهوری ترکیه، سفر خود را به ایران، تا مدت نامعلومی به تعویق انداخت.

پس از کودتای سال ۱۹۸۰ در ترکیه و به قدرت رسیدن نظامیان راستگرا به رهبری اوزال، از طرف رژیم او مبارزه شدیدی علیه نیروهای سیاسی درگرا - یسرو بویژه احزاب و سازمانهای چپ و مترقی آغاز گشت. احزاب و سازمانهای مترقی، اتحادیه‌های کارگری و در یک کلام اکثر نهادها و دمکراتیک و مردمی جامعه، از طرف حکومت کودتا، غیرقانونی اعلام شدند. انقلابیون و فعالین سندیگایی تحت پیگرد قرار گرفتند و زندانهای کشور از نیروهای مترقی انباشته شد. در سراسر ترکیه هرنوع مقاومتی علیه کودتاگران به شدت سرکوب شد و تعداد زیادی از فعالین سازمانهای انقلابی و بویژه کمونیست‌ها، به جوخه‌های اعدام سپرده شدند.

در واقع این خود حکومت نظامی بود، که با سرکوب همه مخالفین و اندیشه‌های مترقی، راه را برای گسترش تفکر قشری اسلام، بمنظای تنها شیوه تفکر بدیل موجود در جامعه، نشود. این درست است، که بعد از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰، متشکل‌ترین و بزرگترین جریان مذهبی یعنی حزب سلامت ملی ترکیه نیز غیرقانونی اعلام شد؛ ولی در واقع با اقدامات بعدی نظامیان، هسته‌های پایه سازمانهای قشری و متعصب مذهبی، دائماً تقویت می‌شد. این رژیم کودتایی نظامی بود، که "خانه‌های خلق" را که جزو نهاد "کمالیستی" (مشتق از نام مصطفی کمال ملقب به آتاتورک، بنیانگذار جمهوری ترکیه و از رجال معروف بورژوازی این کشور، که طرفدار پروپاقرص جداسازی کامل دین از حکومت و مد ریزه کردن ترکیه طبق الگوی کشورهای سرمایه‌داری غرب بود) محسوب می‌شدند و در آنها از جمله علیه اندیشه‌های قشری مذهبی مبارزه آید تئولوژیک صورت می‌گرفت، غیرقانونی اعلام نمود. و باز همین کودتاگران نظامی بودند، که تد ریس احکام قرآن و شریعت را در مدارس ابتدایی و متوسطه اجباری کردند. طی سالهای اول حکومت نظامی اوزال، مدارس زیرزمینی آموزش قرآن، مانند مدارس مجاز مذهبی، همچون قارچ از زمین می‌روئیدند و بالاخره این خود اوزال بود که برای توجیه حقیقت حاکم و مبارزه با "هیولای کمونیسم"، با خاطر آسوده و چپ و راست به آیه‌های قرآن متوسل می‌شد.

به این ترتیب خلافاً ناشی از نبود نیروهای مترقی و دمکراتیک، بهترین زمینه ساز رشد و گسترش اندیشه‌های مذهبی - که زمینه آن نیز در جامعه وجود داشت - و شمشیر داموکلس رژیم کودتایی، ترکیه بالای سر سازمانهای انقلابی از یکطرف و افزایش مدارس مجاز و زیرزمینی قرآن و کورش رژیم کودتا در قبال

تسمت‌های از نامه یک رفیق

... بهتر می‌دانم که از وضع مردم و زندگی روزمره آنها بنویسم. این روزها دست به دل هر سرگرداری خون است همه بدون استثنا ناراضی هستند. فشار زندگی، بیگاری و اضافه شدن به جمع‌بیکاران، گرانی سرسام‌آور و از همه بدتر نبود، مردم را آنچنان زیرمکنه فرار داده که نمیتوان به زبان ...

واقعاً امسال سال سیاهی است. مسائله عده مردم در این فصل از سال، سوخت است. دیروز برف سنگینی بارید و همه جا تعطیل شد. سرما کولاک می‌کند. بر اثر بیکاران پالایشگاهها نفت و گازوئیل و روغن سیاه برای حمام‌های عمومی نایاب شده است. در شهر ما همه روزه جلو شعبه‌های فروش نفت مردم جمع می‌شوند و کسی از نفت چیزی نیست. رانندگان اغلب تا مدت سه روز در صف گازوئیل منتظر می‌مانند ...

در اثر کمبود سوخت حمام‌های عمومی مخصوصاً در روستاها که بیشتر مورد نیاز مردم است و نانوائی‌ها در حال نیه تعطیل هستند. برق هم نوبتی بود و روزانه ۶ ساعت نوبت هر منطقه بود ولی امروز وضع برق بدتر شده است ...

گوشت را دولت اعلام کرد کیلویی ۱۲۰ تومان ولی قصابیها که خود دام را کیلویی ۱۵۰ تومان می‌خرند تعطیل کردند. گوشت نایاب شد و قیمت‌های معمولی گوشت خود بخود بالا رفت و اکنون در روستاها کیلویی ۱۸۰ و در شهرها ۲۰۰ تا ۲۲۰ تومان است. در مدتی که گوشت نایاب شد مرغ‌زنده هم از کیلویی ۵۰ تومان به کیلویی ۸۰ تا ۹۰ تومان رسید، تخم‌مرغ از ۴۵ تومان به ۷۵ تومان بالا رفت، برنج معمولی کیلویی ۸۵ تومان شد. بازار سیاه و رشوه، فساد نار معمولی دلالها و کسبه شده است.

رواج خمرنك مود مخدر مابل توصیف نیست پیویزه بین جوانان که خود هم به خرید و فروش آن مشغولند. ماست و پیاز و تخم‌مرغ و سیب‌زمینی غذای اکثریت مردم شده است ...

بیکاری سخت‌ترین ضربه را به طبقه زحمتکش زده است. از نظر روانی هم نفس‌تخریبی در زندگی خانوادگی ایفا می‌کند. کارگران پیویزه کارگران ساختمانی صبح از خانه خارج می‌شوند و بعد از ظهر باشکمی گریسته و شرمند به منزل باز می‌گردند. کسانی که تنها نان‌آور خانواده هستند واقعاً در عذابند. کفش و پوشاک بچه‌ها در خانواده‌های زحمتکش همیشه ناراحتی به بار می‌آورد. در این سرما و زمستان سرد بچه‌ها کفش و پوشاک گرم تقاضا می‌کنند و مرتب با پدر کشمکش دارند. همین بدبختیها و مشکلات و فقر، ناراحتی‌های خانوادگی را چندین برابر کرده و مرتب در خانواده‌ها درگیری و دعوا وجود دارد ...

چهره‌ها همه غمزده است، خنده‌هایی بر لب اگر هم ظاهر شود موقتی است ...

بدتر از همه جنگ است، سربازگیری به جوانیها فرصت نفس‌کشیدن نمی‌دهد. همه روزه اوباشان رژیم در همه حال مشغول شکار جوانند. بیشتر جوانان قصد خارج شدن از مملکت را دارند. اخیراً هم یک لنج پر از جوانان که قصد خارج شدن را داشتند اسیر عراقیها شده‌اند. بازار قاچاقچیان برای خروج مسافر داغ است ...

مدتی پیش نیز پراثر پارتی‌گری شدید و جاری شدن سیل در ۱۲ استان کشور زیانهای قابل توجهی وارد شد ...

همه مردم ریشه این نابسامانیها و کمبود و بحران را در حاکمیت می‌بینند. و انتظار آن روز را می‌کنند.

بازتاب جهانی گزارش ...

در رابطه با رویداد های اخیر در اتحاد شوروی اظهار داشت: "از رخداد های جدید، نه شوق‌زده هستیم و نه نسبت به آنها بدبینیم". وی ضمن یادآوری این موضوع که حزب کمونیست ایتالیا به روند جدید در اتحاد شوروی علاقتند است، اظهار داشت: "این ارج‌گذاری‌ها نسبت به سیاست گورباچف عمومی است و تنها از سوی حزب کمونیست ایتالیا صورت نمی‌گیرد. ما با انتقاد نسبت به دوره "پرژنف" که در زمان خود جنجال‌های بسیاری آفرید، به فرارسیدن چنین دوره‌ای امیدوار بودیم". ناتا می‌افزاید: "انتقاد سخت و بی‌رحمانه گورباچف از وضعیت دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی و دوره‌های قبل از آن، تأثیری است بر ارزیابی‌های آن دوره" ما "طی همین مصاحبه یکی از خبرنگاران از دبیر اول حزب کمونیست ایتالیا سؤال کرد: "چرا شما همواره از "تلاش های" در حال انجام در اتحاد شوروی یاد می‌کنید؟" ناتا پاسخ داد: "تاریخ به ما آموخته است که نپنداریم، که صحیح‌ترین اندیشه‌ها و بهترین پروژه‌ها بخودی خود می‌توانند به عمل درآیند". پاتیا، عضو دبیرخانه حزب کمونیست نیز اظهار داشت: "برلین‌گوتر در رساله‌های گذشته مسایلی را مطرح کرده بود که امروز گورباچف آنها را مطرح می‌کند". به اعتقاد تکلیبی، مسئول فرانسوی پارلمانی حزب کمونیست ایتالیا "نوسان‌های بزرگی که در شوروی در حال انجام است تأیید انتقاداتی است که حزب کمونیست ایتالیا در سالهای گذشته از حزب کمونیست اتحاد شوروی، بعمل آورده است."

مصاحبه پژواک با ...

دارید؟
جواب: می‌دانید که رژیم جمهوری اسلامی از تفرقه و پراکندگی نیروهای انقلابی استفاده زیادی می‌برد، برای اینکه این رژیم بیش از این نتواند به حیات تنگین خود ادامه دهد، ضرورت دارد که نیروها و سازمانهای مترقی و دمکراتیک به خود آیند و با کنار گذاشتن اختلافات فرعی خود، همه توان و نیروی انقلابی خویش را در راستای رسیدن به یک اشتلاف، صرف نمایند و برای مبارزه با دیکتاتوری جمهوری اسلامی، به یک وحدت جبهه‌ای برسند.

نیروهای اصیل دمکراتیک وظیفه دارند در راستای دفاع از آزادی و دمکراسی حقوق ملی خلق‌های تحت ستم و حقوق اقلیت و طبقات زحمتکش ایران تلاش کنند و در چنین شرایط حساس و بحرانی کشور، مسئولانه با مسایل برخورد نمایند و در فکر آینده میهنان باشند.

طبیعتاً امید این می‌رود که خوانندگان نشریه پژواک نیز به سهم خود در به ثمر رسانیدن این اتحاد و یکپارچگی تلاش‌فرآوانی نموده و نقش مثبتی خواهند داشت.

به امید پیروزی آزادی و دمکراسی بر استبداد و دیکتاتوری جمهوری اسلامی.

بنیادگرایان اسلامی ترکیه ...

ترکیه، بدلیل عضویت در فرقه زیرزمینی "فتح الله"، از این آکادمی اخراج شدند.

منوعیت برای ورود با حجاب اسلامی به دانشگاهها، برای دختران دانشجو، دستاویز خوبی برای بنیادگرایان ترکیه بود، که چنگ و دندان خود را به رژیم این کشور نشان دهند؛ ولی این تازه آغاز ماجراست! هدف نهایی قشرون مذهبی ترکیه، کسب قدرت دولتی و استقرار جمهوری اسلامی در آنجاست. "کمال الدین کاپلان" از رهبران با نفوذ جنبش بنیادگرایان ترکیه، که بسیاری از ناظران سیاسی او را خمینی ترکیه می‌نامند، امروزه در شهر کلن آلمان قدرال سکونت دارد و از آنجا پیوندهای محکمی با فرقه‌های زیرزمینی در ترکیه برقرار کرده است. او که از اندیشه پردازان حزب سلامت ملی بود پس از کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ در ترکیه، مدتی در ایران بسر می‌برد و سپس از اروپا سردرآورد. او توسط انتشارکتاب متعدد مذهبی و همچنین با پخش نورهای میدئو، هواداران خود را در اروپا و داخل ترکیه، از نظر ایدئولوژیک تغذیه می‌کند. او صریحاً اعلام نموده است، که مانند خمینی "رسالت آزادسازی کشورش را از یوغ کفار و اجنبی‌ها بعصده دارد". او هم چنین معتقد است که: "اسلام یعنی توتالیته؛ یعنی مذهب، حکومت، سیاست و خدمت به خدا هم در این دنیا و هم در آخرت". او می‌خواهد: "سمومی را که توسط کمالیسم وارد جامعه مسلمان ترکیه شده است، با آب شفا بخش سرچشمه اسلام بشوید". رهنمودهای کاپلان توسط بسیاری از جوانان ترکیه اجابت می‌شود. در تظاهرات هفته گذشته، دو جوان عماسه به سر، بعد از آتش زدن دو فروشگاه لوازم آرایش با کوکتل مولوتوف، با نوشتن این شعار بر

دیوار، پیام مهمی برجای گذاشتند: "اگر خواهان ما حق ندارند، پوشش اسلامی داشته باشند؛ معشوقه‌های شما هم اجازه ندارند خود را برك کنند!" به این ترتیب، روح سیاهی که کودکانان ترکیه با سرکوب نیروهای دمکراتیک جامعه و زمینه‌سازی قدرت گرفتن بنیادگرایان، از گورستان تاریخ احضار کرده‌اند، سایه شوم خود را هر روز بیشتر در ترکیه می‌گستراند.

برگزاری انتخابات در آلمان فدرال

در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۸۷، انتخابات سراسری پارلمان آلمان فدرال (بوندس تاگ) برگزار شد. در این انتخابات، که کسارزار تبلیغاتی آن، از ماهها پیش آغاز شده بود، از همان آغاز روشن بود، که حرف آخر را چهار حزب اصلی این کشور، که در پارلمان نیز دارای نماینده هستند، خواهند زد. در این انتخابات، حزب محافظه کار د مکرات مسیحی به همراه همای راست خود در ایالت بایرن یعنی حزب سوسیال مسیحی، با آوردن بیش از ۴۴ درصد آرا، بعنوان نیرومندترین حزب آلمان فدرال جریان انتخابات را پشت سرگذارد. ناگفته نماند، که این نتیجه خود نوعی شکست برای این حزب بود، چرا که در آرا این حزب از سال ۱۹۴۹ (یعنی اولین دوره انتخابات بعد از جنگ جهانی دوم)، تاکنون هیچگاه در چنین سطح نازلی نبوده است. به دنبال این حزب، به ترتیب احزاب: سوسیال د مکرات آلمان با ۲۷ درصد، حزب لیبرال آزاد با حدود ۹ درصد و حزب سبزها با ۸/۲ درصد آرا قرار گرفتند. بقیه آرا، یعنی چیزی حدود ۱/۵ درصد، بین سایر احزاب کوچک شرکت کننده در انتخابات تقسیم شد، که بخاطر مانع حد اقل ۵ درصد، قادر به فرستادن نماینده به داخل پارلمان نیستند.

تنزل آرا حزب د مکرات مسیحی و کرایش انتخاب کنندگان این حزب بطرف حزب لیبرال را باید عداوت نتیجه موضعگیریهای ارتجاعی و بعضا راست افراطی، بویژه در زمینه سیاست خارجی و سابقه تسلیحاتی و تنش‌فزایی از یک سو و سیاست به غایت ارتجاعی و ضد د مکراتیک داخلی در زمینه‌های فساد اداری، پلیسی کردن جو جامعه، آلودگی محیط زیست و مسالسه خارجیان و پناهندگان سیاسی در آلمان از سوی دیگر دانست. بخش قابل توجهی از انتخاب کنندگان این حزب، از ترس این موضوع که د مکرات مسیحی‌ها با آوردن اکثریت مطلق آرا و ایجاد "جمهوری سیاه" و با توجه به موضعگیری‌های خطرناک اخیر آنها، تمام دستاورد های دوران تنش زدایی و روابط معقول با اتحاد شوروی و جمهوری د مکراتیک آلمان را بیاد دهند، از انتخاب مجدد این حزب خودداری نموده و آرا خود را به نفع حزب لیبرال به صندوقهای رای انداختند. علیرغم این جابجایی در تعداد آرا بین احزاب د مکرات مسیحی و لیبرال، این دو حزب مجموعا موفق به اکثریت مطلق شکنندگی شدند، که نسبت به دوره قبل تنزل نشان می‌دهد و آنرا باید در مجموع پیروزی نیروهای د مکراتیک و مرفی این کشور ارزیابی کرد.

حزب سوسیال د مکرات آلمان، که در مقابل خود هدف کسب اکثریت مطلق را قرار داده بود، علیرغم وعده و وعید های زیاد انتخاباتی، بدلیل قطب بندی جدید در جامعه، عدم تحسک لازم در قبال تکامل جامعه به جلو و رسوایی پیرامون

تعاونی مسکن اتحادیه‌های سندیکایی سراسری آلمان، به این هدف نرسید و حتی به آرای کمتر از ۴ سال پیش دست یافت.

پیروز واقعی انتخابات اخیر، حزب سبزها بمطابق شکل سه جریان مستقل اجتماعی یعنی جنبش صلح، جنبش محیط زیست و جنبش زنان بود، که با سیاستهای مرفی و نوین خود هرروز محبوبیت بیشتری بین مردم آلمان و بویژه جوانان این کشور کسب می‌کند. این حزب در عرصه‌های اقتصادی خواهان کوتاه کردن دست مجتمع نظامی-صنعتی از شرانهای اقتصادی کشور، در عرصه محیط زیست خواستار محدود کردن قدرت شرکتی انحصاری شیمیایی که طبیعت آلمان را بطرف نابودی کامل سوق می‌دهند، همچنین خواهان جدی استفاده از منابع بدیل انرژی به جای انرژی اتمی - که در صورت پیروز حادثه‌ای در زمینه آن، با توجه به تراکم جمعیت در آلمان به فاجعه جبران ناپذیری خواهد انجامید -، در عرصه سیاست خارجی خواهان خروج آلمان فدرال از پیمان تجاوزگر ناتسو و اتخاذ سیاست خارجی مستقل برپایه عدم تمهد و در عرصه اجتماعی خواهان مبارزه قاطع علیه بیکاری، برابری کامل حقوق زن و مرد (اکثریت نمایندگان این حزب را در پارلمان زنان تشکیل می‌دهند)، خواهان برابری حقوق خارجیان مقیم آلمان یا شهروندان این کشور و تامین امکانات سریع لازم و مکنی برای پناهندگان سیاسی می‌باشد. این حزب که تاکنون تنها در سه دوره انتخابات پارلمان آلمان شرکت داشته است، طی هفت سال اخیر، رشد چشمگیری و حیرت آوری نشان می‌دهد و میزان آرا خود را از ۱/۵ به ۸/۵ درصد رسانده است. این حزب بمطابق خون تازه‌ای در رگهای جامعه آلمان، می‌رود تا در سالهای آتی به یکی از نیرومندترین جریانهای مرفی اجتماعی این کشور بدل شود.

حزب کمونیست آلمان، که در دوره های گذشته انتخابات، موفقیتی بدست نیاورده بود و میزان آرا آن حتی به یک درصد هم نمی‌رسید، این بار با گرد آوردن برخی جریانهای کوچک جدا شده از احزاب سوسیال د مکرات و لیبرال و همچنین شخصیتهای د مکرات و مرفی اجتماعی و فرهنگی در جبهه‌های تحت نام "لیست صلح" در انتخابات شرکت نمود، ولی با کسب کمتر از نیم درصد آرا باز هم ناموفق ماند و به این ترتیب برای برون رفت از بحران انزوای سیاسی خود ناچار است که برای سالهای آینده به شیوه‌های تازه کار روی آورده و به سیاستهای نوین و نوگرایانه‌ای دست یازد.

اکنون دولت صدراعظم "هلموت کهل" متلف از د مکرات مسیحی‌ها و لیبرالها، برای چهار سال دیگر نیز زمام امور را به دست خواهد داشت. بخاطر امتزاج شدید سرمایه‌های انحصاری ایالات متحده آمریکا و جمهوری فدرال آلمان و نقش ویژه این کشور در پیمان نظامی ناتو بعنوان نزدیکترین و مطیعترین متحد ایالات متحده آمریکا، روند سیاسی جاری در این کشور از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است

اخبار رسیده از ایران

"شکنجه در زندان گوهردشت"

در پی انتقال کامل زندانیان سیاسی از زندان فزل حصار به گوهردشت طی ماههای اخیر زندان گوهردشت به یکی از مراکز اصلی شکنجه و مبالغه با مبارزین در زندان بدل گردیده است. هم‌اکنون اکثرا از دژخیمان دادستانی و از همالکی‌های لاجوردی جنایتکار مسئولیت اداره این زندان را به عهده داشته و از هیچ جنایتی در حق بهترین فرزندان مبارز میهن ما فروگذار نیستند.

ساختمان این زندان که اواخر سال ۱۴ تحت نظارت کامل مأمورین امنیتی و ساواکی "تحسرت حد مت رژیم" به پایان رسید. هم‌اینک دارای تجهیزات کامل و مخوف برای شکنجه و سرکسب زندانیان سیاسی می‌باشد.

گسترش زندان گوهردشت به شکنجه‌گاه مبارزین، در شرائطی انجام می‌گیرد که هیاهوی آزادی - زندانیان و ادعای مسخره انصاری مدیر کسل زندانهای کشور مبنی بر "رفاه کامل زندانیان - بیاس و تربیت و پرورش آنان برای مقابله با افکار ضد اسلامی" گوشها را کر و موجی از خشم و نفرت را برانگیخته است.

"بهاران شهرها و آوارگی مردم کرمانشاه"

در پی بهاران و قتلعام بربرمنشانه رژیم عراق بر شهر کرمانشاه (که طی آن صدها نفر کشته و هزارها نفر مجروح و معلول گردیده و بخش‌های عظیمی از شهر تهران مانند، نواب، بازار و سه بکلی وهران و به تلی از خاک تبدیل گردید). هم‌اینک گروه زیادی از هموطنان ما تحت شرائط بکلی سحت و ناگوار روحی و روانی و تضیقات درمانی و بهداشتی قرار دارند.

رژیم خمینی علیرغم ادعاها و هیاهوهای دهان پرکن خود، هیچگونه خدماتی جهت معالجه و آسایش شهروندان زخمکش کرمانشاه قائل نردیده و حتی از در اختیار گذاشتن هواپیما برای انتقال مجروحین و معلولین به تهران و سایر شهرها تحت عنوان اینکه "جبهه نیاز بیشتری دارد" خودداری کرده است.

هم‌اکنون که این سطور نوشته میشود ده‌ها هزار تن از مردم کرمانشاه در بیابانهای خارج از شهر در آستانه مرگ و نیستی قرار دارند. آوارگی این هموطنان محروم در کنار آوارگان سیل خانان برانداز در ۱۹ استان کشور قشر وسیعی از محرومان و زخمکشان میهن ما را شامل میشود که از اولیهترین حقوق زندانی و سریناه محرومند. حواست مردم زخمکش ولادیده کرمانشاه و دیگر نقاط میهنان صلح و پایان جنسک خانانانوس می‌باشد.

و بر روند عمومی صلح و صلح سلاح جهانی تاثیر مستقیم می‌گذارد. صف آرای جدید نیروهای سیاسی آلمان فدرال و قطب بندی نوین در این کشور، خبر از تلاطم‌های سیاسی-اجتماعی زیادی در سالهای آینده در آنجا می‌دهد.

اخبار رسیده از ایران

"تأثیر مذاکرات ایران با آمریکا بر جنگ ایران و عراق"

مذاکرات محفیانته رابرت مک فارلین بسا مقامات ایرانی و نمایندگان جناح رفسنجانی موجب نگرانی عمیق بعضی از د ولتهای مرتجع عرب (اردن و مصر) و بویژه ترس و وا همه مقامات عراقی گردید .

بلافاصله پس از افتای روابط پشت پرد میان ایران و آمریکا شاهد افزایش حملات هوایی و ضایعات و حرایبهای ناشی از آن که در واقع مرحله جدید و د هشتتانی از ادامه جنگ بسه مناطق مسکونی ، کارخانهها ، نیروگاهها ، مدارس ، ... می باشد ، بودیم . البته این نوع حملات از جانب طرفین بوده که همپنان نیز ادامه دارد . موضع آمریکا در قبال جنگ ایران و عراق این بود " است که هیچ یک از طرفین درگیر به تفوق نظامی برد پیری دست نیاید چرا که این مسئله خطری جدی برای منافع خود آمریکا در بردارد . سیاست "کلت و کیک" در واقع سیاست اصلی دولت آمریکا در رابطه با ایران می باشد . از طرفی آمریکا توسط ماهواره های خود اطلاعات نظامی را در اختیار عراق قرار می دهد با فشار اقتصادی از طریق کاهش نفت به مقابله با دولت ایران می پردازد و از سوئی د پیر با کمکهای مهم نظامی و اقتصادی او را یاری می کند .

بالطبع در ادامه سیاست فوق می باشد که آمریکا از طریق اقرار خود در اروپا و نیز کشورهای ژاپن ، ترکیه و پاکستان سیاست نزدیکی و همکاری های اقتصادی ، سیاسی و نظامی را تبلیغ

و موافقت خود را با آن نشان می دهد . بطور مثال مبادلات وسیع اقتصادی نزدیک ۳ میلیارد دلار در سال با ترکیه و نیسز معاملات وسیع نظامی با انگلستان (بویژه قرارداد اخیر با شرکت تلسی) در همان چارچوب تأیید دولت آمریکا با این مسئله قابل ارزیابی است . مسائل فوق واقعیتی جدی می باشد که توسط همین و د پیر سرداران "یک پهروزی بسزک بر آمریکا" تلقی می گردد .

اخبار کوتاه

✳ خبر می رسد که مقامات وزارت دفاع ایران با صلاحدید وزارت خارجه انگلستان قراردادی بسو مبلغ ۲۴۰ میلیون لیره استرلینگ با شرکت تلسی در لندن برای دریافت تجهیزات دفاعی پایگاه رادار به امضا رسانده اند . این تجهیزات که استراتژیک بوده و دارای سکوی ثابت می باشد عمدتاً برای کنترل اهداف از پیش تعیین شده در خارج از مرزهای ایران مورد استفاده قرار می گیرد .

شایان توجه است که قبول دولت انگلستان به فروش این تجهیزات به ایران ، در چارچوب سیاست استراتژیک ضد شوروی دول امریالیستی بوده ، قرار است که این پایگاهها در مرزهای شمالی و شرقی ایران مستقر گردند .

✳ جنگ افروزان جنایتکار ، اخیراً به بعضی از مدارس و دبیرستانهای شبانه رفته و اظهار داشتند که کلیه دانش آموزان می بایست فرم اعزام به جبهه را پر کرده و بطور مرتب و بصورت شیفت به جبههها اعزام شوند . امور تربیتی سپس اعلام داشتند که در صورت رفتن دانش آموزان به جبهه ، تسهیلات مهمی را برای قبولی دانش آموزان قائل می شود . البته در صورت امتناع دانش آموزان احراج می شوند .

✳ در پی قطع مستمر برق ، مدیریت ضد کارگری کارخانه ایران ناسیونال در صد دست کسه شیفت کار روزانه کارگران را به شیفت شب انتقال دهد . این مسئله مورد مخالفت شدید کارگران شاغل در کارخانه قرار گرفته است .

تغییر ساعات کار در کارخانه ایران ناسیونال در شرایطی انجام میگرد که قریب به ۸۵۰۰ کارگر از آن کارخانه احراج و یا باز خرید شده و هم اکنون به علت انهدام تولید داخلی بطور کلی و کسبید قطعات این کارخانه صرفاً به تولید اتومبیل سواری پیکان ، بطور متوسط روزانه ۴۰ دستگاه و همچنین قسمتهایی از این کارخانه به تولید ریختهگری و قالب قطعات لوازم مورد نیاز در خدمت "جنگ خانماسوز" می پردازند .

✳ خبر می رسد در درامیداشت خاطره شهدای ۱۱ آذر در دانشکده علوم دانشگاه تهران شعارهایی در تجلیل از خاطره شهدا و تقبیح رژیم ضد دانشجو منتشر شده است .

جلادان رژیم از دادن آدرس محل دفین شهدای احیر که در زندان اوین تیرباران شدند (تعداد آنان بطور دقیق مشخص نمی باشد) به خانواده های شهدا خودداری کرده اند . گفته می شود پیکر این شهدا در مسیر تهران سفنان در قبرستانهای اطراف کوره پزخانه دفین شده است .

✳ اخیراً مامورین دادستانی به سراغ کتابفروشی های شاه آباد واقع در حیابان جمهوری رفتند و عد های از مسئولین انتشارات را مورد بازجویی و پرس و جو قرار دادند . دادستان ممسنی کتابفروشیها را تفتیش کرده و تعداد زیادی از کتب را به جرم "مضره" بودن به غارت بردند .

بقیه در صفحه ۱۱

دوستان عزیز؛ برای مکاتبه با "پژواک" آزاد رسستی جدید استفاده کنید!

برای اشتراك پژواک ، بهای آنرا به حساب بانکی ما واریز کنید و رسید بانکی آنرا برای ما بفرستید .

بهای اشتراك :

۶ ماهه معادل ۲۰ مارک آلمان فدرال

یکساله معادل ۴۰ مارک آلمان فدرال

حساب بانکی ما :

99559 03000
Berliner Bank
Aznavian

نخستین شماره "بولتن بخشهای داخلی" از طرف توده ایهای مبارز منتشر شد . شماره نخست "بولتن" فشرده های از اسناد : "تزهایی پیرامون انقلاب بهمین و حاکمیت بر - خاسته از آن" ؛ "بررسی و ریشه یابی اشتباهات حزب توده ایران در دوره ۴ ساله پس از انقلاب" "کنفرانس ملی و وظایف توده ایهای مبارز (چشم انداز حرکت ما)" ؛ "در باره انترناسیونالیسم پرلتری" ؛ "در باره ویژگیهای حزب لنینی" را در بر می گیرد . اسناد فوق در طول حرکت "توده ایهای مبارز" به عنوان کار پایه بخشهای داخلی تنظیم شده اند و از این نقطه نظر تا کنون جزو لیست انتشارات ما معرفی نشده اند . با انتشار نخستین شماره "بولتن بخشهای داخلی و تصویب نشست اخیر هماهنگی اسناد فوق را به لیست انتشارات توده ایهای مبارز اضافه می کنیم . تأکید مجدد این نکته را لازم می دانیم که اسناد یاد شده کار پایه بخشهای داخلی توده ایهای مبارز بوده ، انتشار بیرونی آنها بسه مفهوم تصویب و پذیرش قطعی این اسناد از طرف "توده ایهای مبارز" نیست .

نشانی ما :

POSTFACH 470207

1 BERLIN 47

نشریه خبری - به کوشش توده ایهای مبارز در برلین غربی

بها معادل ۱/۵ مارک آلمان فدرال

4.Feb.87

پژواک

Pejvak